



## که مازندران شهر ما نصف باد!

گزارش از برگزاری مجمع هیات فوتبال مازندران

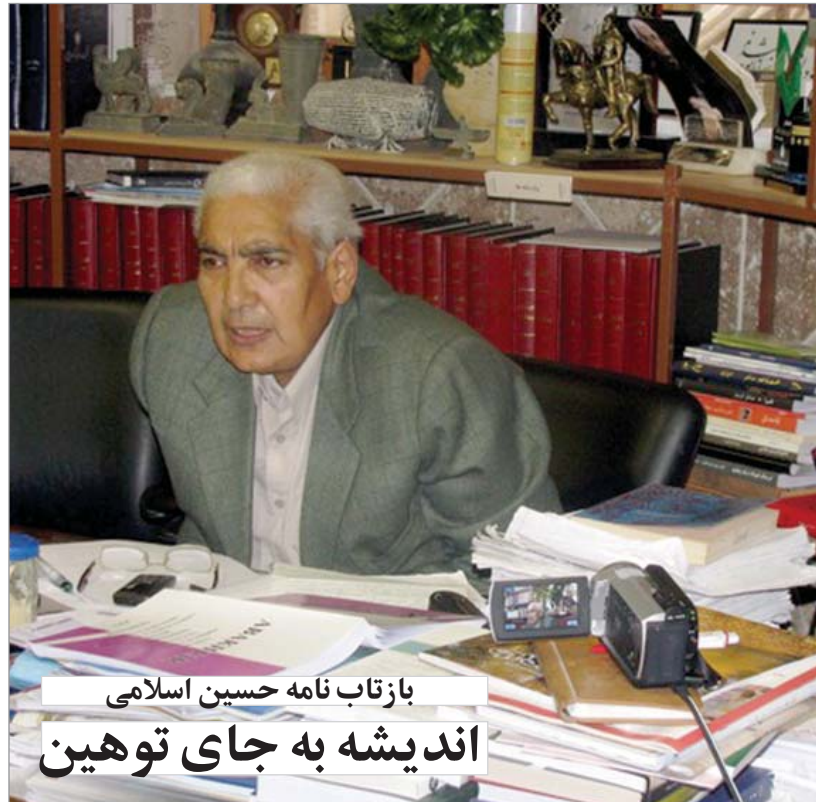
### چه مسئولان تویی داره فوتبال!

مجمع عمومی پرحاشیه هیئت فوتبال مازندران صبح یکشنبه برگزار شد. این مجمع قرار بود ۲۰ دی برگزار شود که در نامه‌ای از فدراسیون به اداره کل ورزش و جوانان استان زمان برگزاری مجمع ۲۸ دی شد. ۲۸ دی ماه باز سازمان ورزش نامه فرستاد و پخش سریال انتخابات به تعویق افتاد و شد دوم بهمن و بالاخره ۸ بهمن! از تغییر مداوم تاریخ انتخابات مشخص بود که این قصه سر دراز خواهد داشت.

صفحه ۲

### ساختار مدیریتی در غرب مازندران بیمار است

صفحه ۲



بازتاب نامه حسین اسلامی  
اندیشه به جای توهین

### تیترا اخبار

#### در جلسه شورای شهر ساری بیان شد ساری الگوی معماری ندارد

صفحه ۱۰

محدودیت های مالی،  
دلیل موجهی برای سوء  
مدیریت نیست

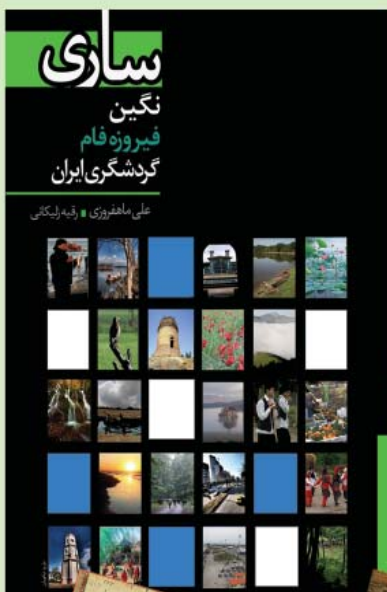
صفحه ۱۱

#### حجاب را توجیه نکنیم



صفحه ۱۱

### تازه های کتاب مازندران شناسی انتشارات شلفین در نهمین نمایشگاه کتاب ساری



## آگهی دعوت به همکاری

یک موسسه معتبر مطبوعاتی، تعدادی بازاریاب با تجربه را برای فعالیت در هر یک از شهرهای مازندران، به همکاری دعوت می نماید. پذیرفته شدگانی که دوره آزمایشی را با موفقیت بگذرانند، از حقوق ثابت و بیمه برخوردار خواهند شد.

دارندگان مدارک تحصیلی دانشگاهی و دانشجویان در اولویت قرار دارند.



تلفن تماس:  
۰۱۵۱۳۲۷۱۶۶

ساعت تماس:  
صبح الی ۴ بعد از ظهر

آملی لاریجانی در آیین افتتاحیه‌سی و پنجمین دوره از مسابقات سراسری قرآن کریم در ساری:

## ماهواره ها خانواده را به بی راهه می کشند



گزارش - کلثوم فلاحي: آیت الله صادق آملی لاریجانی در آیین افتتاحیه سی و پنجمین دوره از مسابقات سراسری قرآن کریم در سالن اجتماعات هلال احمر مازندران در ساری اظهار داشت: پیامبر (ص) فرمودند که شب زنده داران و حاملان قرآن، اشرف امت من هستند و نفرمودند که اشرف امت من، سرمایه داران، روسا و افراد متمول هستند. رئیس قوه قضائیه با اشاره به اینکه کسی که به میبانی قرآن رسیده باشد، حامل قرآن است، تصریح کرد: حامل قرآن شامل حفظ، تلاوت و فهم معانی قرآن است. وی با بیان اینکه خداوند گرفتاری های دنیا را از استماع کنندگان قرآن، دور می کند، متذکر شد: خداوند قاری قرآن را از گرفتاری آخرت دور می کند. لاریجانی با اشاره به اینکه اگر کسی قاری یک آیه از کتاب خدا باشد و البته معتقد هم باشد ثواب آن از آنچه از عرض خدا تا به زمین است، افضل است، گفت: خداوند بی نهایت است و این گونه خداوند قلوب مستعد را به سمت قرآن جذب می کند. وی با بیان اینکه ما در دنیای پر غوغایی زندگی می کنیم، تصریح کرد: اگر می خواهیم به سعادت برسیم باید انسان قرآنی شویم. لاریجانی با اشاره به اینکه قرآن کتاب زندگی و نحوه حیات دیگری را برای ما ترسیم می کند، ادامه داد: بشر امروز سرگشته است و معنای زندگی خود را از دست داده به دنبال معنای زندگی می گردد. وی با بیان اینکه متکلمان غربی کتاب هایی در باب معنای زندگی انسان نوشته اند، تصریح کرد: چرا این گونه شده که راه را کج کرده اند؟ لاریجانی با اشاره به اینکه بشر غربی خود را به جای خدا گذاشته است، گفت: غربی ها دنیا را انسان محور تلقی می کنند و توصیف انسان بعد از رنسانس این است و نتیجه اش آن شد که انسان سرگشته است و به دنبال معنای زندگی می گردد. وی با بیان اینکه تصویر قرآن از این جهان و هستی، توحید است، یاد آور شد: نگاه قرآن به توحید است و باید این نگاه قرآن را در تمام آیات تحصیل کنیم. این مسئول با اشاره به اینکه بشر غربی سرگشته و بیچاره است، تصریح کرد: ما متناسب به قرآن هستیم و راه نجات ما این است که حیات شخص را با حیات قرآن تصویر می کند عجبین و همراه کنیم. وی افزود: نگاه انسان به عالم باید توحیدی باشد و این نگاه قرآن است. رئیس قوه قضائیه، خاطر نشان کرد: انسان دائماً در مسیر بازگشت به حق است اما اینکه چه گونه بازگشتی باشد، این مهم است و ما با اعمال مان خود را می سازیم. وی با بیان اینکه طفره در عالم محال است، گفت: دنیای عجیبی است، از در و دیوار دنیا غفلت می بارد و ماهواره ها و رسانه های کذایی فرزند و خانواده ما را به بی راهه می کشند و مشغول می کنند و این غفلت است. لاریجانی با اشاره به اینکه آیات قرآن همواره هشدار می دهد، اظهار داشت: هیچ وعده الهی تخلف ندارد. وی با بیان اینکه انسان گل سر سبد هستی است، گفت: البته گاهی از این صحبت، بوی اومانستی می آید و باید بدانیم همه فقر الی الله هستیم. لاریجانی در پایان یاد آور شد: چشم ها را باید شست، جور دیگر باید دید. گفتنی است در این مراسم تمبر سی و پنجمین دوره از مسابقات قرآن کریم، رونمایی شد.

عکس مصطفی کاظمی شهبانی



با همکاری هیئت عاشقان ثارالله شهرستان نوشهر، پایگاه مقاومت حاج سید احمد خمینی و هیئت امنای مسجد چهارده معصوم چالوس، پرچم مقدس گنبد حرم مطهر حضرت ابوالفضل العباس (ع) به مسجد چهارده معصوم دهگیری چالوس آورده شد.



مردم نوشهر و چالوس در مراسمی از سید پیمان حسینی - دروازه بان نوشهری تیم ملی فوتبال ساحلی ایران - به گرمی استقبال کردند.



در چهلمین روز از فصل زمستان درخت هلودر منطقه شکری کلای نوشهر به شکوفه نشسست و جلوه ای خاص به این منطقه بخشید. این در حالی است که بارش برف در هفته های گذشته نوشهر را سفید پوش کرد و دمای هوا در این شهر به شدت کاهش یافت به طوری که باعث یخبندان در ساعات شب نیز شده بود.

## محروریت در ساری به ما توجه نمی شود

مازندنومه، کلثوم فلاحي:

در یکی از محلات محروم شهر، کودکان همزمان با میلاد پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) ۳۵۰۰ نقاشی تصویر کردند. امروز حسینییه صاحب الزمان امام زاده عباس ساری، مملو از جمعیت برای برگزاری میلاد حضرت محمد (ص) بود. در هوای بارانی و تقریباً سرد سه شنبه تعداد زیادی از مردم محله امام زاده عباس در این حسینییه جمع شده بودند، تعدادی از مردم در قسمت درونی حسینییه جای گرفتند و به علت کمبود جا، تعداد زیادی از مردم هم در حیاط حسینییه مستقر شدند.

سبحان بخشی عضو هیئت امنای حسینییه صاحب الزمان امام زاده عباس ساری واقع در بلوار امام رضا (ع)، در رابطه با برگزاری این مراسم اظهار داشت: جامعه نیاز به شادی دارد و چه بهتر که این شادی همزمان با اعیاد مذهبی همراه باشد و مردم در محیطی سالم، این برنامه ها را برگزار کنند. بخشی با اشاره به اینکه ۳۵۰۰ نقاشی از کودکان این منطقه به دست ما رسید، تصریح کرد: برای همه کودکان جایزه در نظر گرفتیم. وی ادامه داد: بلوار امام رضا (ع) بالغ بر ۴۰ هزار نفر جمعیت دارد و با وجود اینکه مزار مطهر امام زاده عباس را هم در میان داشته و جایگاه کشوری هم دارد اما مورد توجه قرار نگرفته و از مناطق محروم شهر محسوب می شود. بخشی با اشاره به اینکه در این قسمت از شهر، پل تجن هم واقع است،



نمایشگاه نقاشی کودکان با موضوع آزاد هم در صحن حسینییه دائر بود.

گفت: ما این جا یک پارک محله نداریم و پل قائم که در کنار پل تجن است، تبدیل به محلی برای توقف مسافران شده و جز بار ترافیکی، چیزی برای مردم منطقه ندارد. وی با بیان اینکه مردم منطقه قبلاً از مجموعه فرهنگی هلال احمر استان که در این منطقه واقع شده استفاده می کردند، یاد آور شد: اما این مجموعه هم اکنون در اختیار دولتی ها قرار گرفته و چیزی نصیب مردم منطقه نمی شود. عضو هیئت امنای حسینییه صاحب الزمان امام زاده عباس ساری با اشاره به اینکه جوی های آب هم در این منطقه از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند، اظهار داشت: اگر چه امام زاده عباس در سطح کشور دارای جایگاه است اما هنوز جاده مواصلاتی مناسبی ندارد.

عکس: محمد حسین ملاتی کدوسی

در گفت و گوی مازندنامه  
با نماینده ساری مطرح شد  
دلیل احمدی نژاد  
برای ماندن مرتضوی  
دامادی:

## از خودش پرسید

استیضاح وزیر کار تا چه اندازه جدی است؟ من جزء امضاکنندگان استیضاح نیستم، دوستانی که امضا کرده اند جدی هستند و ما هم سعی می‌کنیم شرایط سوال کنندگان و پاسخ دهنده را بسنجیم و تصمیم بگیریم. در هر صورت، استیضاح وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی در آخرین جلسه مجلس اعلام وصول شده و دوستان پیگیر قضیه هستند.

چرا رئیس جمهور و وزیر کار تا این اندازه اصرار دارند که سعید مرتضوی در سمت خود باقی بماند؟

این را باید از آقای دکتر احمدی نژاد پرسید، مجموعه و سخنگوی دولت در این زمینه پاسخ دهند که با وجود حکم دیوان مبنی بر عزل مرتضوی، چرا اصرار به ماندن وی دارند؛ شاید دلایلی برای خود دارند.

چندی قبل گلایه کردید که در تغییر مسئولان، با نمایندگان مشورت نمی‌شود، در تغییرات اخیر استان با شما مشورت صورت گرفت؟ طبق قانون، دولت می‌تواند با نمایندگان در این زمینه مشورت نکند، اما بحثی وجود دارد به نام تعامل، اگر این ارتباط رعایت شود، این دوستی و وحدتی که رهبری بر آن تاکید دارند در عمل اتفاق می‌افتد؛ فکر و حرکت خوبی است و می‌توانیم به یک نقطه مثبت برسیم.

ما هم خیلی علاقه نداریم در امور این چنینی دخالت کنیم، معتقدیم هر فردی که منتصب می‌شود باید به ارزش‌های نظام و مردم پایبند باشد. مردم خیلی برای ما مهم هستند.



## انتقاد از تحولات اخیر استان تغییرات ضربه وارد می‌کند

سید مجتبی رسولی در خطبه‌های این هفته نماز جمعه می‌اندرد گفت: مازندران دیار علویان است و همه حب و بغض مردم با اهل بیت گره خورده است. خطیب جمعه می‌اندرد با بیان اینکه مردم مازندران در مقاطع مختلف تاریخ ایران و انقلاب حضور خود را در دفاع از حریم اسلام و ولایت به اثبات رسانده اند، افزود: در دفاع مقدس با تقدیم بیش از ۱۰ هزار شهید و در حوزه علم، معرفت و اخلاق هم همواره از سابقه روشن و ویژه ای برخوردار بوده است. به گزارش خبرنگار ما، این مسئول کج اندیشی‌های فراوان در مازندران را عاملی مشکل ساز عنوان کرد و گفت: متأسفانه در بحث سیاسی هم کج اندیشی‌هایی وجود دارد که همین روند تغییر و تحولات که ظاهراً برای ساماندهی امور است ضربه سنگین است که بر پیکره استان وارد می‌کند. وی این روند را شایسته استان شهید داده و با سابقه درخشان ندانست و گفت: امیدواریم مشکلات به زودی مرتفع شود.



شهریورماه امسال پس از شکست شرم آور و مفتضحانه تیم ملی ایران در برابر لبنان، یادداشتی نوشتیم و این تیترا را برای آن انتخاب کردیم که: "فوتبال نداریم/ فقط یک مشت توپ لگدن داریم!" حالا برای همین مثلاً "توپ لگد کنی بعضاً" مایوس کننده، در این شرایط بحرانی که همه کلاه‌شان را محکم گرفته اند تا باد آن را نبرد، عده ای عاقل و بالغ دور هم جمع شدند تا یک رییس استانی برای فوتبال مازندران انتخاب کنند که آن را هم نتوانستند! بگذریم از این که رییس جدید هر کس باشد، با جیب خالی و اوضاع نابسامان اقتصادی نمی‌تواند شق القمر کند (البته قبلی‌ها هم چندان گلی به سر فوتبال استان نزدند!)

مجمع عمومی پرحاشیه هیئت فوتبال مازندران صبح یکشنبه برگزار شد. این مجمع قرار بود ۲۰ دی برگزار شود که در نامه‌ای از فدراسیون به اداره کل ورزش و جوانان استان زمان برگزاری مجمع ۲۸ دی شد. ۲۸ دی ماه باز سازمان ورزش نامه فرستاد و پخش سریال انتخابات به تعویق افتاد و شد دوم بهمن و بالاخره ۸ بهمن! از تغییر مداوم تاریخ انتخابات مشخص بود که این قصه سر دراز خواهد داشت. تاییدمان نرفته بگویم که قرار بود این مجمع روز دوشنبه ۹ بهمن برگزار شود اما مدیرکل ورزش و جوانان مازندران تلاش کرد که انتخابات یک روز زودتر برگزار شود، آن هم به این دلیل که "روز دوشنبه مراسم مهمی برگزار می‌شود و احمد سعادت‌مند به عنوان مهمان در آن حضور دارد." انتخابات یک روز زودتر برگزار شد تا مراسم روز دوشنبه جناب مدیرکل تازه نفس به هم نخورد، با وجود این جایه جایی زمانی، سعادت‌مند ترجیح داد امروز نیاید و هاشم جمشیدپناه - معاون فنی و ورزشی - اش را به عنوان نماینده تربیت بدنی فرستاد تا حواسش باشد که مبادا نامزد مورد حمایت فدراسیون فوتبال رای بیاورد. امروز علی کفاشیان - رییس پرحاشیه فدراسیون فوتبال که این روزها بر مدار شانس نیست - نیز به ساری آمد و رو در روی نماینده اداره کل ورزش و جوانان استان قرار گرفت. کفاشیان حامی نخست غلامرضا بهروان - رییس کنونی هیئت فوتبال استان - است، ولی اداره کل ورزش و جوانان روی ابوالفضل خواجه محله تاکید داشت. غیر از این دو نامزد، محمد هادی خلدری، مهدی ابراهیمی، حسن کیومرثی، عادل روحی و حسین مکارمی هم کاندیدا شده بودند که لحظاتی قبل از رای گیری چون اوضاع را مناسب ندیدند، بیشترشان انصراف دادند و تنها بهروان ماند و خواجه محله و مکارمی. بهروان هم به تازگی به علت مسائلی که در مورد دو شغله بودن و بازنشستگی اش عنوان شده، از ریاست سازمان لیگ برتر برکنار شده بود. جلسه مجمع آغاز شد. جمشیدپناه اولین نفری بود که صحبت کرد. نماینده اداره کل ورزش و جوانان جلسه را به رسمیت نشناخت، علت هم نامزدی بهروان بازنشسته بود. او به فکسی اشاره می‌کرد که روز گذشته از تهران ارسال و در آن نامزدی بازنشسته‌ها ممنوع اعلام شده است. جمشیدپناه تصور می‌کرد جمع حاضر با او همراهی می‌کنند، اما فضا به نفع اداره کل ورزش و جوانان استان نبود و به ناچار جلسه را ترک کرد و دقایقی بعد به رسانه‌ها گفت: انتخابات به خاطر حضور افراد بازنشسته غیرقانونی است. جلسه پر از تنش و جر و بحث بود و دوربین صدا و سیما همه چیز را ثبت و ضبط کرد. به احتمال برنامه ۹۰ این هفته برای مازندران‌ها تماشا می‌شود. غلامرضا بهروان اما از ماجرا تفسیر دیگرگونه دارد. او گفت که سه ماه پیش ثبت نام کرده است و بین نامزدها فقط او نبود که بازنشسته است، بلکه از ۸ نفر ۳ نفرشان بازنشسته اند. او ادامه داد: یک روز قبل از برگزاری انتخابات مسائلی را در مورد بازنشستگی مطرح کردند، کفاشیان از آنها مستندات در خواست کرد اما چیزی ارائه ندادند و جلسه امروز در کمال قانونمندی برگزار شد. رییس هیئت فوتبال مازندران یاد آور شد: ۹۰ درصد افرادی که در ورزش فعالیت می‌کنند بازنشسته هستند، بیش از ۱۰ هیئت استان مازندران بازنشسته هستند و هفته گذشته اداره کل تربیت بدنی استان مازندران سرپرست هیئت باستانی را تعیین کرد که او سالیان سال بازنشسته بوده است. معاون سعادت‌مند که رفت، علی کفاشیان با طیب خاطر اداره جلسه را به عهده گرفت و رای گیری انجام شد. از بین ۴۲ رای، بهروان رای قابل توجهی به دست آورد: ۳۳ رای، خواجه محله ضعیف ظاهر شد و تنها ۶ رای کسب کرد و مکارمی هم ۲ رای که به یقین یکی از این ۲ رای را خودش برای خودش نوشت! آن از فوتبال درب و داغان ما و این هم از تصمیم گیران فوتبال ما که نتوانستند بعد از چند ماه، یک انتخابات ۴۰ نفری را برگزار کنند. اینک کفاشیان انتخابات را قانونی دانسته اما جمشیدپناه به تلویزیون مازندران گفته هیچ برگه و کاغذی را سازمان ورزش امضا نکرده و باید یک مجمع دیگر برپا شود. این گونه اختلافات دامن ورزش ما را گرفته است و همین است که فوتبال نداریم!



به قول شاعر:

گل اش پرپر، دو کفش اش پاره فوتبال  
عجب وضعش فلاکت باره فوتبال  
شبیه رینگ بوکسه بی تعارف  
که بعضاً عرصه‌ی پیکاره فوتبال  
همش گل می‌کن، انگاری شوتن  
چه مسئولان توپی داره فوتبال  
مدیریت که کشکی شد عزیزم  
بکش آه و بگو: بیچاره فوتبال

## ساختار مدیریتی در غرب مازندران

### بیمار است

مهدی ایوبی: این نوشته مجال کافی را برای ارزیابی همه جانبه عملکرد کنش گران عرصه انتخابات دارا نیست و چنین غایتی را نیز نمی‌جوید. معضلات کنونی منطقه را می‌توان در دو سطح بیان کرد: سطح نخست معضلات عامی هستند که برآمده از سوء مدیریت در سطوح میانی و منطقه‌ای است و همه مناطق کشور از جمله غرب استان مازندران نیز با آن مواجه‌اند. نبود امنیت شغلی، تورم بالا و بیکاری فراگیر نمونه‌هایی از این مشکلاتند که با عملکرد نسنجیده بعضی از افراد ناکارآمد هر روز بر دامنه‌شان افزوده می‌شود و شاخص‌های علمی خود به خوبی گواها آنهاست. برای تشریح این معضلات لازم است تا ابتدا قدری در باب ظرفیت‌های غرب مازندران توضیح داده شود. مجاورت با دریادو ظرفیت اساسی از حیث موقعیت اقتصادی یعنی شیلات و بنادر برای این سرزمین فراهم آورده است. از طرف دیگر زمین‌های حاصل خیز از حیث ظرفیت کشاورزی موقعیت بسیار ویژه‌ای را به این دیار بخشیده است. علاوه بر اینها آب و هوای مطبوع و مناظر دلپذیر و مناطق تفریحی فراوان شمال و به ویژه غرب استان مازندران را حائز مهمترین جایگاه از جهت گردشگری میان تمامی مناطق کشور کرده است، به طوری که هر سال پذیرای میلیون‌ها مسافر در ایام گوناگون سال است. در کنار همه این موارد نیاز صنعتی خاص این منطقه نظیر صنایع تعمیر و ساخت کشتی و ماشین‌آلات کشاورزی، صنایع مرتبط با برخی معادن بازار ویژه‌ای را برای رشد صنایعی خاص فراهم آورده است، لذا حداقل می‌توان در ۵ حوزه اقتصادی شامل شیلات، بنادر و کشتیرانی، کشاورزی، گردشگری و صنایع خاص را برشمرد که ظرفیت رشد ویژه‌ای در این منطقه دارند و به وسیله هر یک از این حوزه‌ها می‌توان از جهت اقتصادی منطقه شمال و غرب استان را مستقل کرد. با این وجود شاهدیم که در شهری مثل نوشهر که از همه این موقعیت‌ها به صورت ویژه بهره‌مند است شدت فقر و بیکاری آن چنان است که شغل‌های کاذب و فاسد به صورت فراگیر به چشم می‌آید. نابسامانی وضع اشتغال مسئله‌ای است که نه تنها طبقات پایین جامعه، طبقه متوسط را نیز به شدت به چالش کشانده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از تحصیل کردگان با معضل بیکاری مواجه‌اند. این خود به خوبی نمایانگر آن است که ساختار مدیریتی در غرب استان به نوعی بیمار است که سیاست‌زدگی، بی‌ثباتی و آشنایی نداشتن مدیران غیر بومی با ظرفیت‌های منطقه شایع‌ترین این بیماری‌هاست. تبعات مخرب فرهنگی و معضلات اقتصادی نیز در خطه غرب استان کاملاً ملموس و عریان است که رشد اعتیاد و فساد اخلاقی روز افزون جوانان نمونه‌هایی از آنهاست. یقیناً در چارچوب یک یادداشت امکان ارائه شناخت همه جانبه و طبقه بندی شده و جزئی از معضلات غرب استان مازندران وجود ندارد و باید به کلیات بسنده کرد. شاید اکنون که کمتر از چند ماه به انتخابات زمان داریم در نگاه عده‌ای لزوم پرداختن به این امر چندان موجه جلوه نکند اما چنین نگرشی تنها برخاسته از نگاه خام و ناآشنا با ساختار و شرایط کنونی سیاست در ایران است. توقع توجهی ویژه به معضلات مردم و جوانان غرب استان مازندران از طرف سیاستمدارانی که صداقت و شرافت‌شان را اثبات کرده باشند گزاف نیست. این نوشته پیش و بیش از آنکه در صدد باشد تا معضلات و مشکلات جوانان را به تصویر بکشد در پی آن است که دردهای جوانانی را روایت نماید که آینده دیار شمال را رقم خواهند زد؛ جوانانی که با وجود ظرفیت‌های خود و منطقه‌شان با چالش بیکاری و بالا رفتن سن ازدواج به نحوی جدی روبه‌رویند. در این وانفاس عده‌های بعضی از مسئولین امر نیز تنها نمکی است که بر زخم‌شان پاشیده می‌شود.



برگزیده کامنت هایی که زیر سه یادداشت مازندلومه در ارتباط با تشکیل استانی جدید در غرب مازندران به دست ما رسید.

# که مازندران شهر ما نصف باد!

به بهانه ۱۸۰ کامنت مخاطبان مازندلومه زیر مطالب دوتکه شدن مازندران افول نهضت کامنت نویسی

۱- کامنت (comment) یک «دیدگاه» است، پیامی کوچک در حد چند جمله درباره مطلبی که کسی نوشته است؛ هر چند عده ای گاه کامنت را با چت روم اشتباه می گیرند و در آن از هر چیز می گویند جز نظرشان راجع به آن مطلب. یکی از تفاوت های نشریات مکتوب و مجازی همین امکان کامنت گذاری است. با این که مدت هاست نهضت کامنت نویسی بین کاربران ایرانی، حتی فرهیختگان ما، رونق یافته (به گونه ای که حتی برخی خبرگزاری های رسمی داخلی را نیز ناگزیر کرده این امکان را در پایگاه خود ایجاد کنند) لیکن سطح کامنت نویسی ها به اندازه ژورنالیسم سایبری و خبرنگاری آنلاین رشد نکرده و درجا زده است. بسیاری از پایگاه های خبری با بسترسازی و فراهم کردن ارتباطات چند سویه بین کامنت گذاران، امکان طرح موضوعات مختلف و تمرین دموکراسی را برای شان فراهم کرده اند، لیکن تنها معدودی از کامنت نویسان از این فضا بهره برداری معقول می کنند و بیشترشان به شخصی نویسی و حمله و گاه توهین به نویسنده و تسویه حساب های فردی می پردازند.

۲- مازندلومه تا ۴-۵ سال پیش برای کامنت های مخاطبانش فیلترگذاری خاصی نداشت و نظران مخاطبان، همان لحظه و آنلاین انتشار می یافت، اما به جهت بروز بعضی ولنگاری ها و سوء استفاده ها، ناگزیر به دروازه بانی شدیم. البته اینک بعضی سایت های خبری کشور برای انتشار کامنت های شان ساعت شمار دارند، مثلاً یکی از سایت های پر مشتری داخلی، دو ساعت پس از درج کامنت، به طور خودکار اجازه نمایش آن را می دهد و مدیر سایت کم تر از دو ساعت فرصت بررسی آن را دارد، در غیر این صورت آن کامنت به طور خودکار منتشر می شود. همه این ها به دلیل جذب و جلب مشتری و اعتمادسازی بین رسانه و مخاطب است؛ چه مخاطب تمایل دارد: الف- کامنت او «حتماً» منتشر شود. ب- کامنت او «به سرعت و با کم ترین دستکاری و ادیتی» منتشر شود.

۳- پس از فراگیری و شمول نهضت کامنت نویسی در ایران (از نظر کمی) و به تبع آن رشد ضعیف کیفی آن، دیده شده که گاه همین کامنت ها در دسرهایی را نیز برای مدیران سایت های خبری به وجود آورده اند. خود ما در ماه های گذشته درگیر پرونده ای بودیم که به خاطر دو کامنت تشکیل شده بود و به خاطر آن دو کامنت، پای مان به دادگاه نیز کشیده شد. مورد تازه هم فیلتر شدن سایت پر مشتری تابناک است که گفته شده به خاطر برخی کامنت های آن بوده است. این در دسرها اما هرگز دلیل نمی شود که مدیران پایگاه های خبری به فیلتر کردن و انتشار ندادن نظرات مخاطبان شان اقدام کنند و ترس از محکمه و پرونده سازی، مخاطب محوری و اعتمادسازی دوسویه را کم رنگ کند. باور ما این است که انتشار کامنت ها - حتی اگر ضعیف، شخصی و بی ارتباط با اصل موضوع باشد - اگر حاوی توهین نباشد، بهتر از حذف آن است. دوستانی - حضوری یا تلفنی - به کرات پیشنهاد داده اند که کامنت ها را بهگزینی کنیم و تنها معدودی کامنت را مجوز انتشار دهیم؛ نپذیرفتیم و دلیل آوردیم که نظرات مخاطب ارجمند است و حتی اگر ناگزیر شویم، آن را نقطه چین شده نمایش می دهیم، چه اگر اشکالی داشت سایر مخاطبان خود پاسخخ را می دهند، چرا ما پنهان کاری کنیم؟ ما تنها کامنت های تکراری و آن هایی را که با یک آی پی در همان لحظه، تعداد زیادی کامنت می گذارند را اجازه نمایش نمی دهیم و بقیه را در صورت نداشتن بار حقوقی پخش می کنیم.

۴- پس از انتشار نامه سرگشاده حسین اسلامی ساروی به وزیر کشور و در پی آن دو یادداشت دیگر در مازندلومه، حدود ۱۸۰ کامنت زیر این سه مطلب درج شد. (و شاید یک سوم همین تعداد به دلیل تکراری بودن و ... امکان انتشار نیافت). بازتاب این مطلب در قالب کامنت، نشان می دهد که قضیه دوتکه شدن مازندران جدی تر از این حرف هاست و غرب استانی ها بنا به دلایلی که برای خودشان حل شده است، تصمیم جدی برای جدایی دارند و از قرار قصد کوتاه آمدن هم ندارند. به باور ما دوسرطناب جدایی آن قدر کشیده می شود که یا طناب قطع می شود و یا یک طرف کوتاه خواهد آمد. نظرات مرکز نشین ها و غرب استانی ها محترم، فضا هم برای تبادل آرا و انتقال مفاهیم تازه درباره دو استانه شدن مازندران کمونی باز است، لیکن بر این باوریم که قضیه آن سه مطلب را باید همین جا پایان یافته تلقی کنیم و چون دیگر حرف تازه ای در کامنت ها وجود ندارد، از مخاطبان بخواهیم زیر آن سه یادداشت کامنت نگذارند.

## ساروی مدرن

اگر چه جدایی غرب استان در مجموع به نفع ساری است و بهانه عدم استقرار ساری درست در وسط استان از بد اندیشان کوتاه نظر سقله مسلک و بهانه تراش گرفته خواهد شد ولی با نظرات دردمندان و دلسوزانه استاد فرزانه اسلامی ساروی موافقم. البته در مورد سختی تردد تا مرکز استان برای رامسری ها و تنکابنی ها اعتقاد به راه حل دیگری غیر از جدایی دارم و این دوری راه را جز بهانه جویی و تفرزایی علیه شرق استان نمی بینم. راستی چرا نمایندگان شرق اینتان هیچ نظری نمی دهند و استانی تنها با سه نماینده در مساحت کوچکی از مازندران که سه چهارمش کوهستانی محض است به خاطر هوسهای تعدادی عناصر جو ساز می خواهد تشکیل شود، به هر حال اگر دولت با این کم عقلی موافقت کرد مبارکشان باشد.

## دقت کنیم!

به همه آن چیزی که ما را به هم وصل می کند و ما را قوی تر می کند احترام بگذاریم. این جداسازی ها برآمده از یک بحران مدیریتی است و یا عمیق تر از آن، برآمده از یک بحران اجتماعی است. آن ها که صدمه و یازیان می بینند فریادی از سر درد می کشند. حوصله به خرج دهیم، همدیگر را درک کنیم.

## مهدی یعقوبی

آنروز که دلارهای هفت تومانی ما را بردند بیابانهای اراک و اصفهان و یزد و رفسنجان و بندر عباس و بندر چاه بهار و ... آباد میکردند و ما را در انتظار بهشت قطب کشاورزی و گردشگری توی آب نمک خواباندند، چه دوره ای بود؟ نخست وزیر چه کسی بود؟ کدام دوره مجلس بود؟ نمایندگان آن دوره مجلس از مازندران چکار میکردند؟ خوب حالا شهر داری آن شهر فقط از محل عوارض این صنایع صاحب ثروت هستند، ولی در مازندران حالا با دلار چند هزار تومانی چکار میشود کرد؟ به جان هم افتادیم که استان را پاره پاره کنیم، شما را به خدا فکر کنید حرف حساب را قبول کنید آرام بگیرید و به مازندران یک پارچه و ایران ببیندشید، آتش بیار معرکه دیگران نباشیم.

## معین تقوی

فرض کنید همین فردا را مازندران غربی درست کردند. ۱- نور و محمود آباد اصلاً زیر بلیط شما خواهند رفت ۲- رامسر ادعای خدایی دارد میگوید پایتخت جهان هشتم همسایش تنکابن قبول میکند؟ ۳- تنکابن خودش یک دنیا حرف دارد، حالا رامسر زیر بار مرکزیت تنکابن خواهد رفت؟ ۴- وقتی چالوس دارد میدان داری میکند، فکر میکنید که همه این کارها برای آقایی رامسر و تنکابن است؟ ۵- گیلان را که به این استان مازندران غربی نمی دهند ۶- نور و محمود آباد که محال است آن طرف بروند ۷- پس جز نزاع و دعوا و کینه توزی چه چیزی گیر چه کسی می آید؟ چرا عقل را بکار میاندازید ۸- همه حرف استاد اسلامی همین است

## حسین اسلامی ساروی

مردم مازندران، درست است که اهل قلم هستیم و سیاسی نیستیم و سیاست باز نیستیم ولی سیاسی کاریهای آقایان را که میفهمم. بزودی آخرین پرده ی این سناریوی کثیف را بلا خواهیم زد، تمام مازندرانیهای بدنه وزارتخانه ها به من خبر میدهند، من با صاحب منصبان بد منصب کار ندارم، من بچه نیستیم که باور کنیم یک نفر نماینده بتواند مازندران را تقسیم کند، حالا اون از این آب گل آلود دارد ماهی بزرگ خودش را میگیرد. اصلاً گرفتاری ما از بالا تر از استان هست، از چهار سال قبل تمام مازندران و بخشداران و مردان وزارت کشور غرب استان را به شرط چاقو انتخاب میکردند، مگر من نمیدانم که مثلاً فرماندار پهنه کلایی ساروی چرا فرماندار چالوس است، که بگوید یک ساروی با

### مازندران ساحلی !

ما را چه می شود؟ انصافاً نگاه درستی به مشکل نمی کنیم. همه مطلب، فقط مشکلات اداری است. دولت همه آموز رایه دست خود پیچیده و نمایندگان صاحب اختیار دولتی هم گاهی در فاصله دور مستقر می شوند. مردمی که نگاهشان به دست دولت است و می دانیم دولت است که همه اختیارات از جمله اختیار توزیع درآمدهای نفتی را در دست خود دارد. مردم بایستی چه کار کنند؟ بیاییم برای درمان یک زخم جراحی دیگر و یا جراحی عمیق فرهنگی را بر خودمان هموار نکنیم. نه یک ساروی و نه یک تنکابنی این حق را ندارد که مازندرانی بودنش را انکار کند. این چیزها شوخی نیست. چشممان را باز کنیم و برای رفع بوروکراسی ناجوری که دامن ما را گرفته به مقدساتمان و به فرهنگمان لطمه وارد نکنیم. ببینیم شهروند تنکابنی ما از چه ناله می کند. او را و سخن او را درک کنیم. او به دنبال راه حل برای همان مشکلی است که به نا حق به او تحمیل شده. این حرفها که در میان ما رد و بدل می شود حرفی نیست که عوام الناس ما هم قبول کند. آتوقتی می بینیم نویسنده و پژوهشگر و مورخ و... ما بی محابا و بدون تعمق روی اصل مساله به یکدیگر می تازند. برادران و خواهران من به خود بیاییم!

### مازنی

از خواندن مطالب و یادداشتها حاصلی جز دلگیری و عقده گشایی بر نمی آید. زمانی جغرافیای مازندران شامل مازندران فعلی، گلستان، سمنان و کاشان بود و تنها در سمنان فرمانداری کل مستقر کرده بودند. آن زمان نه هواپیما بود و نه ماشین صد میلیونی و نه جاده خوب و اینترنت پر سرعت. امروز همه چیز داریم و هیچ چیز نداریم. به راستی با جدایی بخشی از مازندران، مشکلات مرتفع می شود. با طرح گام به گام و بی صدای تبدیل ده به شهر و شهر به شهرستان می توان به جایگاه شایسته رسید. با فروش کارخانه فولاد و ایجاد منوریل در غرب استان می توان متمدن شد. با حذف زمینهای کشاورزی و تبدیل آن به ویلا و توزیع ژیلای می توان قطب گردشگری شد. به جای قطعه قطعه شدن خاک و زبان و فرهنگ به دنبال انتخاب مدیران لایق و کارآمد باشیم والا با کوتاه نمودن جاده نمی توان به رشد رسید. مازندران سیاستمدار دلسوز و لایق ندارد.

### یک غرب استانی

اصلا دعوی غرب و شرق همیشه بوده شما تازه دارید می بینید یا تا حالا خودتون به ندیدن زدید!!!! وگرنه به قول شما مگه چالوس فقط الر جاله که از شهرهای شرق استان باید مسئولینش انتخاب بشن تا همیشه زیر سلطه اونا باشیم هر امکاناتی که هست اول باید واسه اونا باشه بعد اگه چیزی اون ته موند به غرب استانی ها برسه مگه ما آدم نیستیم فقط شما و جوونای شما باید از منافع استفاده کنن و هر چی بیکاری هستش باید واسه ما باشه تو اینجا مگه تحصیل کرده نیست که تحصیل کرده هاتونو میفرستین به غرب استان چرا؟! چون فقط زور دست شماست و شماها هستین که در صدر مقام استانی نشستین مگه جوونای ما چه گناهی دارن!!! جناب اسلامی شما فقط نظر شخصیتونو گفتین اما بدونید که شما بعنوان یک شخصیت برجسته مسئولیت سنگینی در قبال این عنوان دارید پس سعی نکنید از این عنوان برای منافع خاص خودتون استفاده کنید چون این عنوان تحت رضایت مردم هستش که بوجود میاد!!!! اغلب مردم غرب استان خواستار جدایی هستند و با نظر شما مخالفند پس سعی نکنید خود خواهانه نظرتون رو به دیگران القا کنید در ضمن خوب این یک امر مسلمی هستش که وقتی هر اتفاقی میفته خوب به طبع اون رخداد منفعی داره و همچنین ضررهایی اما باید دید که در صورت رخ دادن اون اتفاق آیا ضررها بیشتر هستند یا منافع؟! که البته مردم غرب استان مردمانی هستند با دلی پر از مسئولین شرق استانی از اینکه همیشه مورد تبعیض بودند برایشان زجر آور بوده و برای همین منافع را در جدایی میدانند و نمایندگان هم خواسته آنها را منتقل می کنند

### ونوشه

فعلاً که دارد با زور مازندران را تجزیه می کنید، مجلس رفتن با قیمت پاره پاره کردن ملت ها خیلی گران است. این یک معلول است، علت نیست. آقای محترم ما مشکل کهنه و بیماری بسیار قدیمی در امور اداری داریم. در کجای دنیا و کجای تاریخ شما دیدید یا خواندید که هر روز استان سازی کنند که پیشرفت کنند. ماهیچ کاری دیگری برای رفاه مردم نداریم جز استان سازی! این چه بی فرهنگی است که اجازه بدهیم استاندار یک نماینده مجلس برای سرپوش گذاشتن روی ضعف و نارسائی و گرم کردن تنور مردم فریبی هر روز استان سازی کنیم و با تفرقه انداختن دو روز بیشتر استاندار و وکیل مجلس باشیم؟ این چه درد بی درمانی است که ما را گرفتار کرده است تا عملاً بفرهیمیم که مشکل مادر مازندران با استان سازی حل نمی شود. حالا بندر گز و کردکوی و علی آباد و گنبد و... در استان گلستان بهشت شدند؟ پس چرا هنوز یک باران تند، نصف استان گلستان را با خودش می برد؟ بندر ترکمن و آق قلا بهشت شد؟ گلستان شد؟

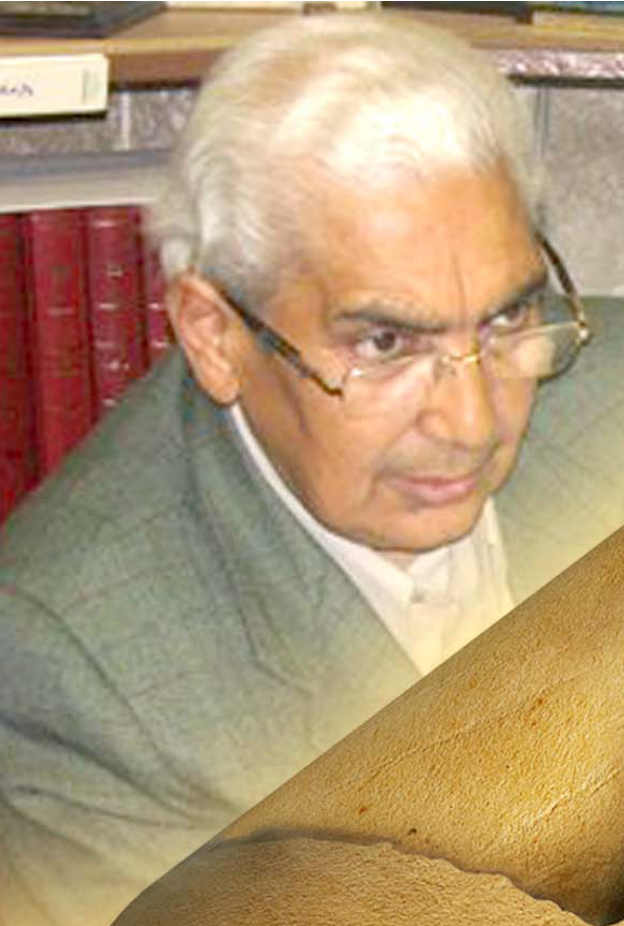
### پهروز شمس پور

استاد حسین اسلامی سلام "شما می دانید، مردم ما هم می دانند مشکل در ضعف مدیریت است. چرا مردم را دچار تفرقه و جدایی و دعوای خاله زنی می کنید." (استاد حسین اسلامی) بله آقای استاد کاملاً درست می فرمائید. من هم زمانی مثل شما فکر می کردم. با اینکه نوجوانی بیش نبودم، استان شدن

این طرح موافق است. رئیس اوقاف اونجا چکاره است که وارد این بازی بشود؟ و از این روسهستند که نامه را باید از استانداری به وزارت کشور بفرستند، تا اشاره چشم و ابروی مقامات اینجا نباشد آنجا چکار می توند بکنند. منم میدانم که آثار حیم سر نخ را در دست دارد. تمام این اسناد و مدارک را به موقع رو خواهم کرد. از ماست که بر ماست، بخش عظیم از این فتنه را همین همشهری های ساروی من در دست دارند. برای پست و مقام خیلی کارهای می کنند، فقط یک چیز را این مسولین بدانند؛ اولاً من تنها نیستم، مازندرانیهایی اصیل با من همدل و همزبان هستند به چهار تا فحش و ناسزا به من دل خوش نکنید ثانیاً نه تنها مازندران هرگز تقسیم نخواهد شد که ما امروز شروع کردیم، پنجاه سال دیگر هم که بشود بخش های از دست رفته مازندران را به مازندران برمی گردانیم، من نزدیک هفتاد سال دارم، با مردن من که این حرف و حدیث تمام نمی شود، مردم مازندران که نخواهند مرد. مازندران را چنگیز و تیمور هم نتوانستند از بین ببرند، روسها کم غلط کردند؟ مازندران با تقسیم شدن آباد نمی شود، بلکه می میرد. ما باید بفهمیم که می فهمیم مازندران را چگونه آباد کنیم، مردم مازندران خوب هم می فهمند. حضرت عباسی فقط به برویج های کلاردشت و مرزن آباد و چالوس و نوشهر عرض میکنم که از همه طرف دارند سر شمار می تراشند، به نام شماست اما به کام دیگران، بلای اصلی سر شما دارد می آید، این الف و بی سیانست را که همه می دانند یک نفر نماینده در این مملکت حد و اندازه اش چقدر است. تازه نماینده داریم تا نماینده پشت پرده نه به نفع من و نه شما دکان برای خودشان دارند می سازند. ای رحیم، ای رحیم تو دیگه کی هستی؟ پنهان شدی؟ آشکارت میکنم با مازندران هم بعله؟ خدایا امام زمان را که نفرستادی دولت یازدهم را زود تر بفرست جان ما را که به لب رساندند

### یک شهروند تنکابنی

آقای اسلامی سلام، طرح استان شدن شرق گیلان و غرب مازندران مراحل پایانی خودش رومی گذراند. ما چه خیری از مازندران دیدیم که به ماندن در آن دلخوش باشیم. اصلاً چرا باید در مازندران بمانیم. مگر خودتان نوشتید که تنکابن دیلم!؟ پس چه انتظاری دارید که تنکابن دیلم و گیلک حتماً مازندرانی شود؟! این انتظار شما مثل آن است که به شما بگویم که بفرائید گیلک شوید! و دست از مازنی بودن خود بکشید! جناب اسلامی آیا واقعا دغدغه تجزیه مازندران را دارید؟! آیا حاضرید که مثلاً مرکز استان به تنکابن، چالوس یا یکی دیگر از شهرهای غرب مازندران بیاید تا هم مردم غرب مازندران راضی شده و هم از تجزیه مازندران شما جلوگیری شود؟! مسلماً هرگز راضی به این امر نخواهید شد! پس توقعی از ما هم نداشته باشید که به قربانگوی شما مازندرانیهایی محترم شویم! امام عزیزمان فرمودند که میزان رای و خواسته ملت است. شما به خودتان زحمت داده و به غرب استان تشریف فرما شوید تا از نزدیک مطالبه مردم را مشاهده نمائید! مطالبه ای که چندین سال است که مردم برای رسیدن به آن تلاش می کنند! آیا شما هم مجبور بوده اید که به خاطر یک کار ساده و دریافت یک مجوز بسیار کوچک ۴ الی ۵ ساعت راه را تا مرکز استان طی نمائید و با همین میزان زمان از دست رفته نیز برگردید؟! تازه اگر هم جواب نگرفته باشید مجبور شود که در روزهای آتی نیز دوباره بروید؟! آیا تا حالا شده که خدای ناکرده عزیزی را در این طی مسافت طاقت فرسا بخاطر خطرات جاده ای و تصادفات از دست داده باشید؟! ولی ما این تجربیات تلخ را داریم! آقای اسلامی محبت نموده یک سوزن به خودتان بزنید و سپس یک جوالدوز هم به ما! مردم غرب مازندران مگر چه گناهی کردند که باید زیر سلطه مازندران و متحمل جفا و تبعیض های شما باشند؟! به خدا ما هم مسلمانییم! به خدا ما هم شیعه آقا امیرالمومنین هستیم! به خدا ما هم شیفته و عاشق امام حسینیم! به خدا ما هم تابع ولایت و رهبر و حامی نظام مقدس جمهوری اسلامی هستیم و برای تحقق و به وجود آمدن این نظام اسلامی جوانهای زیادی را فدا و تقدیم نمودیم! برادر من چرا یکطرفه به مسئله نگاه می کنید؟! مقداری وجدان و انصافتان را هم به کار بیندازید و خودتان را جای ما بگذارید! چرا باید من تنکابنی که فاصله ام تا مرکز گیلان ۱۳۰ کیلومتر است به جای رفتن به رشت فاصله ۲۲۵ کیلومتری تا مرکز مازندران را طی کنم؟! چرا باید یک رامسری به جای طی فاصله اندک ۱۰۰ کیلومتری تا رشت فاصله ۲۵۵ کیلومتری تا ساری را طی نماید؟! یک لحظه و فقط یک لحظه نه بیشتر، خودتان را جای ما بگذارید که برای رفتن به ساری مجبوریم ساعت ۳ یا ۴ صبح از خانه بزینم بیرون و آن هم معلوم نیست که به مقصد برسیم یا خیر! جناب اسلامی آیا می دانستید که فاصله مان به مراکز استانهای گیلان، البرز، قزوین و حتی در صورت راه اندازی بزرگراه تهران شمال به تهران بسیار نزدیکتر از ساری است؟! آقای اسلامی برای برون رفت از این معضل ۳ راه حل بیشتر متصور نیست: ۱- انتقال مرکز استان به یکی شهرهای غرب استان، تا شما هم بچشید آنچه را که ما سالهاست در حال چشیدن و تحمل آن هستیم! ۲- الحاق برخی شهرستانهای غرب مازندران از جمله: تنکابن و رامسر به استان گیلان با توجه به قرابت فرهنگی، گویشی، نژادی و فاصله اندک این شهرستانها به گیلان و مرکز آن ۳- ایجاد استان جدید ساحلی در حد فاصل شرق گیلان و غرب مازندران از رودسر و املش تا نوشهر که در اینصورت مشکل مشابه مردم شرق گیلان هم بر طرف گشته و هم محال ثلاث شمالی تاریخی هم شکل خواهد گرفت. زیرا جنابعالی هم بهتر از من می دانید که زمانی را که ایران دارای ۱۰ استان بود، شهرستان تنکابن و رشت جزو استان اول بودند که شهرستان تنکابن هم از رودسر و املش شروع و تا نوشهر و رویان ادامه داشته است. / ببخشید که مقداری طولانی شد. آنچه را که خدایسندانه بود پیشنهاد دادم، تصمیم گیری را نیز به وجدان تان می سپارم. گرچه مقداری دیر شده و خبری را که بنده دارم به زودی استان ساحلی اعلام خواهد شد و نماینده محترم رودسر و املش نیز دستور موافقت رئیس محترم جمهور را در نامه درخواست الحاق رودسر و املش به استان جدید گرفته است! موفق و موید باشید. / از مدیریت سایت وزین مازندرنومه هم کمافی السابق انتظار انتشار کامنت و احترام به سلیقه های کاربران مختلف را دارم که قطعاً چنین خواهد بود. برای دوستان مازندرنومه نیز آرزوی توفیق دارم. شهروند دردمند از تنکابن



سمنان زخمی بر قلبم شد. انگار من کوچک شدم. بزرگتر شدم گلستان را دیدم. من در گرگانی که مال مازندران بود، دو سالی زندگی کردم. با اینکه شهری قدیمی و بزرگی بود ولی امکانات شهرهای مرکزی مازندران را نداشت. من که در کارهای عمرانی فعالیت می‌کنم، حتی یک آزمایشگاه مکانیک خاک نداشت. گلستان از ضعف مدیریتی که شما می‌گویید، پدیدار شد. حالا شما که تاریخ دان هستید و من سرفرازی غرب مازندران را به مرکز نشینان مازنی مخصوصاً بابلی‌ها که اصلاً ما را قبول ندارند به گفته‌ها و نوشته‌های شما استناد می‌کردم، سری به گلستان "پاره تن ما" بزنید. استاد بزرگم، افتخار می‌کردم عضوی از مازندران بزرگم. در سال ۱۳۶۵ که مسابقات کشتی دهه مبارک فجر در بندرعباس بود، همه پهلوان های مازنی که پدر مومنی‌ها هم تشریف داشتند، به عشق مازندران بزرگ، به شام دعوت کردم. آقای استاد! با حلوا حلوا دهان شیرین نمی‌شود. من هم اکنون در شهرم چالوس می‌بینم، همه پروژه‌های عمرانی، اهم از راه‌سازی، فاضلاب شهری، گازرسانی، پل مرکز شهر... و حتی کتابخانه ناقابل از نظر سازه‌ای بدست توانای! شما مرکز نشینان درست می‌شود. روی اتیکت خانم دکتر عمومی بیمارستان تامین اجتماعی چالوس خانم... نوشته بود. من بفکرم که او بچه کندلوس کجور است و من هم دوستان زیادی به همین فامیلی دارم، از او می‌پرسم: کجایی؟ او می‌گوید: اگر بفهمید، کجایی ام، شما مرا بیرون می‌کنید. گفتم: خانم دکتر این چه حرف هاست. گفت: من قائم شهریم. او می‌داندست به چه طریقی آمده. آیا شما استاد بزرگم، افتخار مازندران، شما هم متوجه شدید. استاد بزرگ! در فرهنگ ایران عزیز مادرست نیست، کوچکی در عمل به بزرگی بیاموزد. ولی بنده به این فرهنگ طغیان می‌کنم و به شما می‌آموزم که "این مرزها نیستند که ما را پیوند می‌دهند، بلکه زبان مشترک است". چون این آموزه را لمس کردم. استاد بزرگم، اگر من کار و امکانات داشته باشم، به مازندران بزرگی که شامل: گلستان، سمنان، شمال تهران، استان البرز، نواحی شرقی استان قزوین و خود مازندران فعلی افتخار می‌کنم. و گر نه حتی از خودم بیزارم. پیش به سوی استانی در غرب مازندران!

### کامنتی از کندرو

جاناسخن از زبان مامی گویی! ۱۱ همین چندسال پیش بود که برای مقابله با فکر تقسیم این استان مطلبی را در یکی از روزنامه‌ها خواستم چاپ کنند. لیکن مدیر مسئول آن روزنامه - سراسری - خواست بخشهایی را حذف کند و با مخالفت من در نهایت به این نتیجه رسیدم که یا چاپ نشود یا همه موارد به چاپ برسند. ۲- من در نوشته این پست هیچ گز اندیشی و یک جانبه نگری ندیدم. ۳- بخشهایی که به کسانی حمله شده است برایم السویه است و فکر میکنم حاشیه این گفتار است و به خوشان وامیگذارم. ۴- با بخشهایی از نوشته بهروز شمس پور موافقم. ۵- اول اینکه این تقسیمات نشان از ضعف مفرط مدیریبت کلان مملکت دارد، که برای کنترل - نه لزوماً اداره - کشور مدتی است که مانند ختک در این خیال محالاندیش چنبره زده است. ۶- اما در انتقاد از نوشته این دوست عزیز باید عرض کنم که آن زمان که من به نقد این دیدگاه پرداخته بودم زمزمههایی از ایجاد استانی تحت عنوان جعلی استان ساحلی یا اراجیفی از این دست بوده است. من یک مازنی هستم و زبانم هم مازنی است. اما این تمسک و توصل به زبان به معنی دوست داشتن مازنی هان نیست. من می‌توانم پدرم را دوست بدارم و در عین حال به افکار و اخلاق و طرز تلقی اش هم بتازم. ۶- پرسشی که من در آن مقاله عرض کرده بودم این بود که آنها که معتقدند با ایجاد استانی به نام ساحلی؟! معضل این بی توجهی برادران مثلن هم استانی مان به غرب مازندران حل میشود، این است که به من بگویند که بعد از گذشت چند دهه اگر کسی از این دوستان بپرسد که زبان گویش شما چیست، در پاسخ شما چه می‌گویید؟! می‌گویید ما به زبان ساحلی (۱؟) سخن می‌گوییم! اگر بپرسند که تاریخ این مرز و بوم چیست، شما می‌گویید هنوز در کودکی بسر می‌بریم؟! چرا که فعلا چند دهه از عمرمان بیشتر نمی‌گذرد و... و پرسشهایی از این دست. ۷- البته من از ناسیونالیزم و اشکال دیگر آن شدیداً پرهیز میکنم که برای من انسان به ما هو انسان اصل است و ما بقی فرع. بناندارم که در اینجا به علقه‌های احساسی بپردازم. اما وجود تکثری باصلا بت را باور دارم. چرا که برای ایراز اندیشه خواه ناخواه ناچار به پذیرش برخی تکثرات هستیم. البته از چرندیات وحدت - تکثری هم به شدت گریزانم. من زمینی ام و ایرانی و مازندرانی. اینها قطعاً از بر چسبهای معرفه من در عرصه

عمومی هستند. اما در خواستگاه حقیقی من یک انسانم. ۸- بند ۷ را به این دلیل آوردم تا به جانب داری از که و چه هاتمتم نشوم. ۹- شما اگر به چالوس نگاهی مستقل بیاندازید خواهید دید که اساساً شهر شگرفی است. از نظر من شهری بسیار مدرن و دموکرات. البته این مدرنیزم نه به دلیل ساختار اندیشگی و درون سوژه گی که تنها به دلیل ژئوپولیتیکی و به اصطلاح سوق الحیشی بوده است. چالوس نزدیک ترین شهر به پایتخت است. بین سه استان تهران، گیلان و مازندران (و خراسان واقع شده است. و خود کارخانه حریر بافی و اولین نماد دنیای صنعتی با خود فرهنگ و کنشهای مربوط به جریانهای مبارزاتی ده های ماقبل بیست و پس از بیست را به همراه داشته است. در این فکت تنها دو شهر آمل و ورشت بوده اند که با چالوس قابل مقایسه بوده اند. در این شهر مدرن شما شاهد حضور اقوام و اقلیتهای متعددی هستید که به سادگی توانستند در کنار ساکنان اولیه آن به زندگی و تبادل آرای و سنن بپردازند. در واقع خط بطلان عصیبت این خلدونی را در این شهر خواهید دید. ترکان، کردان، اصفهانی ها، گیلانی ها، قمی ها، یزدیها، قائم شهری ها (شاهی)، آملی ها و... من به عنوان کسی که از جهان وطنی حمایت میکند و میاندیشد به این شهر افتخار میکنم. این فرهنگ اساسی نام و نشان است و دلیل توفیقش هم در این بی نام و نشانی است. ملغمه سرکه و شکر و انگبین که سکنجینش می‌خوانند. شاید برخی فکر کنند که من چه آلف و اولوفی در وصف این شهر براه انداخته ام. باور کنید اگر بخواید ناسزایم بگویید بهتر است بگویید: که خواسته به شهر خود ببالد! نه برادر این شهر کوفتی جز نامی که قدمت دارد و نام آورانی که همگی در دل خاک خفته اند چیز دندان گیری ندارد. من از آنچه در این شهر اتفاق افتاده است سخن گفته ام و تازه گفته ام که این همه نه از سر فهم و تاملی برنامه ریزی شده چالوسیان که بر حسب اتفاق بوده است. و گر نه دیدن آن همه دست اندازها و خرابیهادر این شهر چشم نمیخواهد. چالوسیان این همه خرابی را دیده اند و دیده اند که بهترین مکانهای تفریحی و توریستی شان، توسط یگانهای قدر قدرت نظامی و دیگران به تمرینگاه و سربازخانه ها تبدیل شده است. دیده اند که آن ور انقلابشان تا این ور انقلابشان چالوس همان یک خیابان و همان هزار چاله ها ی ناگهان! برادر مسئله صرفاً در فرهنگ و زبان و تاریخ... خلاصه نمی‌شود که چالوسیان آنقدر توان فرهنگی داشته اند که مانند برخی از اقوام به ظاهر قوی، هرگز از ورود سایر اقوام و فرهنگ به شهر و دیار خود هراسان نبوده اند. شاید هم اینک بیش از نیمی از اهالی چالوس را سایر اقوام مهاجر تشکیل دهند، اما آنان امروز چالوسی اند و زبانشان هم مازنی. اما چالوسیان به هر زبانی که بخواهند سخن می‌گویند. گاه ترکی گاه گیلکی و گاه کردی و... اما زبان رسمی ناگفته همان مازنی است. آمیزش گیلکیها با ترکان. ترکان با مازنی ها، قمی ها با کردها و... چنان فرهنگ و چنان آرایشی را پدید آورده است که وصف ناپذیر است. از

## دریای خزر



خودشون رو زیر سوال نبردن با مقاومت کمتری مواجه شدن... نمونش مازندران شرقی که نام جعلی گلستان رو یدک میکشه و یا مازندران جنوبی و جنوب شرقی مثل فیروزکوه و دماوند و استان سمنان... راستی اگه کتاب تاریخچه ابن اسفندیار رو خوب مطالعه کنی میبینی که مرز تبرستان عزیز از کردکوی تا هوسم (رودسر کنونی) بوده... خواهشا اینو به من بگید که در آینده به نسل های بعد از خودتون در باره ننگ رشتی شدن چه پاسخی خواهید داد؟؟؟؟ در نهایت نور بر قبر فردوسی بزرگ که نام بعضی مکان هارو به زبون نیاورد و با شهامت گفت... که مازندران شهر ما یاد باد... همیشه بر و بومش آباد باد

#### و نومه

فعلاً که دارید بازور مازندران را تجزیه می کنید، مجلس رفتن با قیمت پاره پاره کردن ملت ها خیلی گران است. این یک معلول است، علت نیست. آقای محترم ما مشکل کهنه و بیماری بسیار قدیمی در امور اداری داریم. در کجای دنیا و کجای تاریخ شما دیدید یا خواندید که هر روز استان سازی کنند که پیشرفت کنند. ماهیچ کاری دیگری برای رفاه مردم نداریم جز استان سازی! این چه بی فرهنگی است که اجازه بدهیم استاندار یا یک نماینده مجلس برای سر پوش گذاشتن روی ضعف و نارسائی و گرم کردن تنور مردم فریبی هر روز استان سازی کنیم و با تفرقه انداختن دو روز بیشتر استاندار و وکیل مجلس باشیم؟ این چه درد بی درمانی است که ما را گرفتار کرده است تا عملاً بفهمیم که مشکل مادر مازندران با استان سازی حل نمی شود. حالا بندر گز و کردکوی و علی آباد و گنبد و... در استان گلستان بهشت شدند؟ پس چرا هنوز یک باران تند، نصف استان گلستان را با خودش می برد؟ بندر ترکمن و آق قلا بهشت شد؟ گلستان شد؟

#### تنکابن و رامسر

شما گفتید این حرف که چون تنکابنها و رامسرها گیلک هستند باید جزء گیلان باشند حرف احماقانه ای است. در پاسخ به شما باید بگویم که فقط به این دلیل نیست که ما درخواست بازگشت به گیلان را داریم؛ بلکه: ۱. نژاد، زبان، لهجه، فرهنگ، و همه چیز ما بسیار به گیلان نزدیکتر است. ۲. فاصله ما تا ساری دو تا دو و نیم برابر فاصله ما تا رشت است. ۳. از نظر تاریخی هم به جز در برخی مقاطع، تنکابن و رامسر همواره جزئی از گیلان بوده است. ۴. مهمتر اینکه خواست اکثریت مردم این دو شهرستان هم در صورت منتفی بودن استان جدید، بازگشت به گیلان است. در واقع ترکیب مجموعه این عوامل است که باعث می شود درخواست الحاق یا در واقع بازگرداندن تنکابن و رامسر به گیلان را داشته باشیم.

## تقسیمات تازه در مازندران کوچک، کوچک، کوچک تر

#### تاسیس بخش دشت سر در شهرستان آمل

دشت سر به عنوان بخشی جدید در حوزه فرمانداری شهرستان آمل تاسیس می شود. به موجب تصویب نامه هیئت وزیران که به تایید رئیس جمهور رسید، مقرر شد دشت سر به عنوان بخشی مستقل در حوزه فرمانداری شهرستان آمل تاسیس شود.

#### رودپی شمالی، بخشی جدید در حوزه شهرستان ساری

رودپی شمالی به عنوان بخشی جدید در حوزه فرمانداری شهرستان ساری تاسیس می شود. بنا به پیشنهاد اینجانب و تایید وزیر کشور و عنایت ویژه رئیس جمهور و مستند به اختیارات تفویضی هیئت وزیران به استانداران، مقرر شد بخشدار رودپی شمالی به مرکزیت منطقه تاریخی فرح آباد در حوزه شهرستان ساری تاسیس شود. دو بخش جدید به بخشدارهای ساری افزوده شد و آیین رسمی تشکیل بخشدار جدیدالتاسیس رودپی شمالی به زودی برگزار می شود.

#### تاسیس بخش رودپی جنوبی

رودپی جنوبی به عنوان بخشی جدید در حوزه فرمانداری شهرستان ساری تاسیس می شود. بنا به پیشنهاد استاندار و تایید وزیر کشور و عنایت ویژه رئیس جمهور و مستند به اختیارات تفویضی هیئت وزیران به استانداران، مقرر شد بخشدار رودپی جنوبی به مرکزیت آکند در حوزه شهرستان ساری تاسیس شود. دو بخش جدید به بخشدارهای ساری افزوده شد و آیین رسمی تشکیل بخشدار جدیدالتاسیس رودپی جنوبی به زودی برگزار می شود.

منبع: سایت استانداری مازندران

چالوس که بگذریم به جان کلام میرسم. معتقدم که این استان نمی بایست تجزیه گردد. و چنانچه به ناچار راهی جز این نبوده باشد، فقط یک گزینه می ماند آن هم مازندران غربی است. همان گزینه ای که در آذربایجان و خراسان اتفاق افتاد. اما باز هم تکرار میکنم هر چند ما به هوش و زیرکی مسئولین مان چندان باور نداریم و اساساً فکر نمی کنیم که برای رفع مشکلی که مادر غرب استان با آن مواجهیم بانیست و آملی غیر سیاسی به این مسئله بپردازند و در این بهانه با شما شریکیم، اما آیا شما هم با مشکلاتی که این مردم در غرب مازندران با آن مواجه اند شریکید؟

#### متعجب

آخه این چه منطقه که بعضیها دارن. تشکیل استان جدید و یا حتی الحاق به استان همجوار بنا به دلایل مختلف کجا و جدا شدن از خاک یک کشور کجا؟ چرا سعی در سفسطه و مغلطه و ربط دادن همه چیز به هم دارد ای بی منطق های روزگار

#### جواد

واقعاً برای افرادی که تاریخ رو نمیدونن یا خودشون رو به حماقت میزنن متناسفم... دوستانی که رامسر و تنکابن رو خاک آبا و اجدادی گیلان میدونن فقط کافیه به سرج کوچیک تو کتابخونه های شهرشون و یا اینترنت بزئن تا به عمق فاجعه ی نظریه شون پی برن...!! من نمیدونم این چه معیار مضحکيه که چون بعضی اهالی رامسر و تنکابن بنا به معاشرت بیش از حد با گیلانی ها زبانشون به گیلکی متمایل تره جز گیلان محسوب میشن...؟؟؟؟ پس اگه این فرضیه مضحک رو قبول کنیم اهالی خوزستان رو که چون نود درصد گفتگوهای روزانه شون عربیه باید جز خاک لایفک عراق بدونیم یا اهالی آذربایجان رو که ترکی حرف میزنن به ترکیه یا جمهوری آذربایجان و اگذار کنیم خیال خودمون رو راحت کنیم...!! نماینده لنگرود با نهایت جهالت میگه نصف اهالی چالوس مردم لنگرود هستن که به چالوس مهاجرت کردن و باید به همین دلیل چالوس به استان گیلان!!! ملحق بشه... یا اون فوتبالیست بی غیرت تیم داماش که اهل تنکابنه آدم شرمش میاد اسمش رو بیره... میاد میگه ما چون هر وقت مریض میشیم ما رو اعزام به رشت!!! میکنن پس ما اصالتاً گیلانی هستیم...!! در شرق استان با وجود رقابت دیرینه ای که بین مردم ساری و بابل وجود داره مردم بابل مرکزیت ساری رو قبول دارن حالا چطور شده بعضی ها ساز جدایی طلبی سردادن نمیدونم... ضمناً در چند سال اخیر استان های زیادی به نا حق از مازندران کبیر جدا شدن ولی چون رگ و ریشه و هویت

تغییرات جدید در تقسیمات کشوری برخی شهرهای مازندران با احکام وزیر کشور صورت گرفت. بر اساس حکم وزیر کشور، بخش کیاکلا به شهرستان ارتقا می یابد و فرمانداری جدیدالتاسیس سیمرغ به عنوان بیستمین شهرستان مازندران ایجاد خواهد شد. به موجب تصویب نامه هیئت وزیران که به تایید رئیس جمهور رسید، بخش کیاکلا به شهرستان ارتقا می یابد و فرمانداری جدیدالتاسیس سیمرغ به عنوان بیستمین شهرستان مازندران ایجاد می شود.

#### تاسیس بخش کلارآباد در شهرستان عباس آباد

کلارآباد به عنوان بخشی مستقل در حوزه فرمانداری شهرستان عباس آباد تاسیس می شود. به موجب تصویب نامه هیئت وزیران که به تایید رئیس جمهور رسید، مقرر شد کلارآباد به عنوان بخشی مستقل در حوزه فرمانداری شهرستان عباس آباد تاسیس شود. آیین رسمی تشکیل بخشدار جدیدالتاسیس کلارآباد به زودی و در ایام دهه مبارک فجر برگزار می شود.

#### هادی شهر، دومین شهر مزین به ائمه معصومان

شهر کله بست در حوزه شهرستان بابلسر به نام هادی شهر تغییر نام یافت. به موجب تصویب نامه هیئت وزیران که به تایید رئیس جمهور رسید، شهر کله بست در حوزه شهرستان بابلسر به نام هادی شهر تغییر نام یافت. هادی شهر پس از قائمشهر دومین شهر مازندران بوده که مزین به نام پربرکت ائمه معصومان است. هادی شهر زادگاه بزرگانی نظیر آیت الله روحانی و شهدای سرافرازی نظیر حجت الاسلام شیخ محمدعلی توسلی، تقی فداییان و عباس کامران است.

#### تاسیس بخش زیرآب در شهرستان سوادکوه

زیرآب به عنوان بخشی جدید در حوزه فرمانداری شهرستان سوادکوه تاسیس می شود. به موجب تصویب نامه هیئت وزیران که به تایید رئیس جمهور رسید، مقرر شد زیرآب به عنوان بخشی مستقل در حوزه فرمانداری شهرستان سوادکوه تاسیس شود. آیین رسمی تشکیل بخشدار جدیدالتاسیس زیرآب به زودی و در ایام دهه مبارک فجر برگزار می شود.

**اشکان جهان آرای:** شاید زمانی که هنر هفتم شکل گرفت و با تلاش برادران لومیر در سال ۱۸۹۵ نخستین تصاویر متحرک بر پرده گران کافه پاریس ظاهر شد کمتر کسی تصور می کرد که سینما روزی به عنوان یک صنعت و هنری تاثیرگذار در فرهنگ و حتی ابزاری برای القای فرهنگ ها یا جنگ های فرهنگی تبدیل شود. شش سال پس از این رویداد فرهنگی که تحولی در عرصه هنر و فرهنگ ایجاد کرد یعنی در سال ۱۲۷۹ با وارد شدن نخستین دستگاه سینما توگراف، سینما توسط مظفرالدین شاه قاجار وارد ایران شد. نخستین سالن سینما در سال ۱۲۹۱ در ایران محقق شد و پس از آن روند ساخت سالن های سینما در ایران آغاز شد. سینما در اواخر قرن ۱۹ میلادی وارد مازندران شد و نیروهای نظامی آلمان و روس برای تبلیغ اهداف خود و مدیران شیلات بابل سر راه کارکنان خود نمایش فیلم در مازندران را آغاز کردند. پس از آن با پیشرفت تکنولوژی و جافتان سینما در بین مردم روند ساخت سینماها در مازندران همزمان با سراسر کشور آغاز شد تا زمانی که تقریباً در هر شهر حد اقل یک سالن سینما در مازندران تاسیس شده بود. آمل، بابل، بابلسر، بهشهر، تنکابن، چالوس، چمستان، رامسر، ساری، فریدونکنار، قائمشهر، گلوگاه، محمودآباد، نکا، نوشهر، جویبار و خرم آباد تنکابن شهرهایی بودند که پس از ورود سینما به مازندران صاحب سینما شدند و تا سال ۵۷ صندلی های سینما در این شهرها پذیرای بسیاری از علاقه مندان این هنر بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و موج جدید فرهنگی برخاسته از اعتقادات مردمی، با توجه به محتوای فیلم های سینمایی پیش از انقلاب بسیاری از سینماهای مازندران مانند سینماهای دیگر کشور با تعطیلی و رکود مواجه شدند. سینماهایی همچون سینما آزادی، هجرت و مهتاب بهشهر، ایران و فرهنگ ساری، فجر قائم شهر، استقلال و ارشاد بابل، پیوند فریدونکنار، استقلال محمودآباد، کوثر و شهرداری آمل، لاله نور، ارشاد چالوس، دریای سلیمان شهر، فتح رامسر و یک سینما در جویبار تعطیل شد. فقط سینمای شقایق بابلسر بود که پس از انقلاب ساخته شد. بی توجهی به سینماهای استان توسط مسئولان از یک سو و رکود استقبال از سینماها از سوی علاقه مندان این عرصه به دلایلی که گاه تولید فیلم های بی کیفیت و بی محتوا عنوان می شد و گاهی هم نامناسب بودن فضای فیزیکی سینماها از آن یاد می شد از سویی دیگر سبب شد سرمایه گذاران بخش خصوصی نیز به دلیل نداشتن توجیه اقتصادی از فعالیت در این حوزه خودداری کنند. البته نمی توان از نقش بخش نرم افزاری سینما یعنی فیلم های تولید شده و برنامه های اجرایی در بخش مدیریتی سینما نیز غافل شد. نگاه صرفاً اقتصادی یا جشنواره ای فیلمسازان به ساخت فیلم، پیشرفت پرشتاب فن آوری های رسانه ای، افزایش بی رویه ویدئوکلپ ها و اعمال سلیقه های مدیریتی در روند قانونگذاری و صدور مجوز فیلم های نیز از دلایل رکود اقتصادی صنعت سینما هستند. برخی هم نبود سالن های سینما در برخی از شهرها، پراکندگی نامناسب آن ها، قدیمی و فرسوده بودن تجهیزات و سالن های سینما و ورود به عصر ارتباطات و وجود اینترنت و ماهواره و آسان بودن دستیابی به فیلم های سینمایی روز دنیا را دلیل کاهش استقبال از سینماها عنوان می کنند. اما همه این موارد در کنار هم نمی توانند توجیهی برای کمبود سرانه فضای سینمایی در استان باشد، چرا که در همین دوره سینما در کشورهایی که از نظر دستیابی به اینترنت و امکان دانلود فیلم های روی پرده وضعیت بسیار بهتری به کشور ما دارند، از رونق خاصی برخوردار است و هنوز گیشه های فروش بلیط سینما در این کشورها به فکر رکوردشکنی در فروش هستند و سینما داران آن ها دغدغه تامین هزینه های سینما ندارند. بر اساس استاندارد جهانی برای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت، یک سالن سینما تعریف می شود. یعنی با این تعریف کشور ما به حدود ۷ هزار سینما نیاز دارد، در حالی که کمتر از ۳۰۰ سینما در ایران فعال هستند. بنا به همین معیار مازندران باید ۳۰۰ سالن سینما داشته باشد. رقمی که می توان گفت غیرممکن



### پرونده دیروز و امروز سینما در مازندران

## مرثیه برای یک رویا

به صورت مستقیم یا غیر مستقیم پیامدهای نامناسبی در حوزه فرهنگی داشته باشد. این گونه به نظر می رسد که یا شناخت درستی از سینما و ظرفیت های حاصل از این هنر وجود ندارد، یا توجه لازم به این بخش انجام نمی شود.

### حوزه هنری تنها متولی سینما نیست



حوزه هنری به عنوان یکی از متولیان اصلی سینماها در کشور نقش موثر و پررنگی در توسعه و گسترش فضاهای سینمایی دارد. بسیاری از فعالان این عرصه معتقدند حوزه هنری با توجه به مسئولیتی که دارد باید پاسخگوی کاستی های موجود در حوزه رسانه سینمایی باشد. اما مسئولان حوزه هنری بر این عقیده اند که به تنهایی قادر به تامین همه نیازهای مورد نظر در عرصه سینمایی کشور نیستند و برای تحقق این امر به یک اجماع و همدلی بین همه مسئولان و مدیران نیاز است. با نوبی الله خدابخشی -مدیر حوزه هنری استان مازندران- پیرامون این مسایل به گفت و گون نشستیم:

### حوزه هنری چه نقشی در مدیریت سینماها دارد؟

حوزه هنری یکی از متولیان بخش سینما است، اما تنها متولی سینما نیست. سازمان های زیادی می توانند در این بخش تاثیرگذار باشند. در حال حاضر ۱۰ سالن فعال در استان داریم که ۶ سالن زیر نظر حوزه فعالیت دارند و ۴ سالن دیگر تحت نظر بخش خصوصی فعالیت می کنند. قرار بود عملیات نوسازی و بهسازی در سینماهای ساری انجام شود. اما به دلیل تحقق نیافتن اعتبارات از داخل و خارج استان این عملیات پایان نیافت.

### این نهاد برای جبران کاستی های موجود در این بخش چه برنامه ای دارد؟

اگر بخواهیم بر اساس استانداردهای جهانی اظهار نظر کنیم، با توجه به جمعیت فعلی استان به ۳۰۰ سالن فعال در مازندران نیاز داریم که رسیدن به چنین آمار تقریباً غیرممکن است. پس باید به فکر تامین نیازهای حداقلی در استان باشیم. در این زمینه هم حوزه هنری آمادگی را دارد که در صورت تامین زمین در شهرستان هایی که به سالن سینما نیاز دارند، وارد فاز تامین بودجه و پس از آن عملیات اجرایی شود. هنر یک ابزار و عرصه تاثیرگذار بسیار قوی و غیر قابل انکار است. یکی از مشکلات ما امکانات فیزیکی عرصه فرهنگ است. به این که در این حوزه با کمبودهایی مواجهیم، واقفیم و باید برطرف شود.

### یعنی برای همکاری با شهرداری ها و دستگاه های مدیریتی در استان برنامه ای تدوین شد؟

حوزه هنری برنامه ریزی کرد تا برای این موضوع در شهرهای استان جلساتی با حضور مدیران و مسئولان شهر برگزار کند تا با یک هم اندیشی اتفاق مثبتی برای آن شهر بیفتد. هدف پیشبرد افاده فرهنگی در جامعه است و قرار نیست یک مدیر یا یک

شخص در کارنامه اش فعالیتی را ثبت کند. امیدواریم در یک نشست با مجمع نمایندگان بخشی از این ایده ها و دیدگاه ها را جمع بندی و ارایه کنیم تا زمینه برای ایجاد یک بستر مناسب فرهنگی و سینمایی فراهم شود. در حال حاضر با شهرداری نوشهر تفاهنامه ای برای ساخت سالن سینما در این شهر امضا شد و در تلاشیم که این نیاز را در نوشهر تامین کنیم. اگر شهرداری ها و مجموعه افرادی که در شهرستان ها فعال هستند زمینه را به حوزه هنری اختصاص دهند، ما هم با خاطری آسوده پیگیر تامین اعتبار برای ساخت سینما خواهیم شد.

قرار بود سینما سپهر ساری ارتقا پیدا کند و بهسازی شود. مذاکراتی هم با شهرداری و شورای اسلامی مرکز استان انجام شد و در حال حرکت به سمتی هستیم که امکانات فیزیکی در شهرستان ساری را بهینه سازی کنیم و سالن ها با اعتباراتی که در اختیار حوزه هنری قرار می گیرند به کیفیتی مطلوب برسند.

### آیا حوزه هنری هم اعتباری برای این بخش در نظر گرفته است؟

سینما بخشی نیست که حوزه هنری فقط از اعتبار خودش برای ساخت آن وارد عمل شود. دولت هم در این بخش فعال است. سینماهایی در کشور ساخته شدند که موسسه سینما شهر ساخت آن ها را به عهده داشت. سینما هویزه مشهد یکی از این نمونه ها است. سینمایی که یک مجتمع فرهنگی است. انتظار می رود این اتفاق خوشایند در ساری هم بیفتد. بعید می دانم سینما داری بگوید از نظر اقتصادی فعالیت در این عرصه برایش سودآوری دارد. در بخش هزینه های سینما فعال حقوق و مزایای سینماهای حوزه هنری استان به عنوان کمک از ستاد پرداخت می شود. اگر قرار بود از درآمد سینماها این هزینه ها را پرداخت کنیم قطعاً امکان پذیر نبود.

### کیفیت فیلم ها چقدر در روند شکوفایی صنعت سینما تاثیرگذارند؟

سینما صنعت تلقی می شود. این یک بینش جهانی است. همانطور که می گوئیم بر اساس استانداردهای جهانی به ۳۰۰ سالن در مازندران نیاز داریم. در تمام بخش ها باید به یک استاندارد واقعی برسیم. اگر به این پیشرفت در همه ابعاد سینما رسیدیم می توانیم بگوئیم وضعیت سینما در جامعه در سطحی هست که نگاه اقتصادی به آن داشته باشیم. فیلم ها باید به حدی برسند که در آمد را بالا ببرند. در همه این مباحث چالش هایی هست که باید برطرف شود تا به یک سطح مطلوب در شکل و محتوای سینما برسیم.

### مسئولان استان در استانداردی چقدر از این فعالیت ها حمایت می کنند؟

استاندار و مجموعه مدیریت استانداری نگاه فرهنگی و مثبتی به این عرصه دارند. همانطور که گفته شد سال گذشته نیز درباره بهسازی سینما فرهنگ ساری تفاهمی با استانداری و سینما شهر صورت گرفت که به دلیل مشکلات اقتصادی در پایان سال تخصیص اعتبار لازم رعایت نشد. استانداری از نظر نگرش مشکلی برای کمک به حوزه سینما ندارد. اما با توجه به شرایط اقتصادی، خود ما هم در حوزه هنری فعلاً انتظار چندانی برای پرداخت کمک اقتصادی از استانداری در سال جاری نداریم. ولی امیدواریم تامین اعتباری برای بازسازی و احیای سینماهای ساری و ساخت حداقل یک سالن چند منظوره در مرحله اول برای تمامی شهرستان ها برای سال ۹۲ از سوی استاندار محترم در نظر گرفته شود.

### برای ترغیب بخش خصوصی به سرمایه گذاری در این حوزه هم اقداماتی انجام شد؟

ورود اسپانسرها به عرصه هنر یکی از مواردی است که حوزه هنری از آن استقبال می کند. اما برای این موضوع نمی توان شتابزده عمل کرد.

نباید با نگاهی صرفاً اقتصادی به سمت جذب حامیان مالی در بخش فرهنگ رفت. اگر بخواهیم از مواهب خارج از فعالیت های فرهنگی استفاده کنیم و استفاده اقتصادی مد نظر باشد، کل فعالیت های فرهنگی زیر سوال می رود. ما برای ایجاد یک



جمعیتی حتماً به سالن های سینما و اماکن فرهنگی تیار دارد، اما حتی سالن های قدیمی آن بسته هستند. ضمن آن که یکی از آن ها تخریب شد و پاساژهای طلا فروشی و لباس فروشی جای آن را گرفت. لطیفی اظهار کرد: میانگین هزینه های یک سالن سینما حدود ۱۰ میلیون تومان در ماه است. البته در گذشته شهرداری ها همکاری می کردند و مالیت کمتری می گرفتند، اما الان سینما داران از عهده مخارج سینما بر نمی آیند. حوزه هنری این هزینه ها را از اعتبارات خودش پرداخت می کند و سینما داران بخش خصوصی هم از اجاره مغازه های مربوط به سینما که در اطراف سینما هستند این هزینه ها را تامین می کنند. وی به تاثیر کم فروش بودن فیلم های داخلی بر جذب مخاطبان اشاره کرد و افزود: مسلماً فیلم های ما پر فروش نیستند و این که مقصر کیست بحثی جدا را نیاز دارد. کیفیت فیلم ها، مشکلات موجود در میزبانی و اعمال سلیقه در صدور مجوز ساخت و اکران فیلم ها، وضعیت اقتصادی مردم، سهل الوصول بودن در یافت فیلم های روز دنیا می تواند از عوامل موثر در این رکود سینمایی باشند. به موازات بهسازی و نوسازی سینماها کیفی سازی فیلم ها نیز باید در نظر گرفته شود. این یک رابطه متقابل است. هر کدام از این دو مقوله مورد توجه قرار نگیرند صنعت سینما شکوفا نخواهد شد. سینماهایی در

است مردم به سینما روی نیاورند. این نگاه اشتباه است. اتفاقاً اگر سینماها را پر بار کنیم و فضاها را گسترش دهیم افراد علاقه مند جذب سینماها خواهند شد و خانواده ها هم فضایی مناسب و فرهنگی برای تفریح جمعی در اختیار خواهند داشت. این فضا بهترین محل برای تبلیغ و فرهنگسازی است. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی تصریح کرد: مردم به تفریح نیاز دارند و جامعه نیازمند نشاط است و بخش مهمی از نشاط آفرینی در جامعه در گرو توسعه زیرساخت های سینمایی است.

### حدود ۱۸۰ میلیون تومان صرف بازسازی سینما جهان نما شد

«مهرداد شهپرست» - مدیر سینما جهان چالوس - اظهار کرد: سالن سینما ارشاد چالوس به



سینما جهان نما (قائم شهر کبونی)

دلیل آن که امکانات موجود در آن، شرایط لازم را برای ادامه فعالیت نداشت و از طرفی هم افت مخاطب داشت نتوانست به حیات خودش ادامه دهد و در نهایت درب آن بسته شد. وی درباره فعالیت سینما جهان نما چالوس گفت: این سینما هم از مرداد ۸۵ تا آبان ماه همان سال با اعتبار حدود ۱۸۰ میلیون تومان بازسازی شد تا توانست زنده بماند. وی افزود: ۵۰ درصد از این اعتبارات را بخش خصوصی و مالک سینما هزینه کرد و ۵۰ درصد دیگر نیز از سوی موسسه سینما شهر که تحت نظر وزارت ارشاد فعالیت دارد تامین شد. شهپرست ابراز کرد: اگر سینما جهان نما چالوس بازسازی نمی شد در سال ۸۷ تعطیل می شد. وی در خصوص جذب مخاطب به سینما خاطر نشان کرد: نمایش فیلم هایی که مناسب با نیازهای و ذائقه های فرهنگی جامعه باشد می تواند مخاطب را جذب کند. اکران فیلم هایی مانند «اخراجی ها» یا «ورود آقایان ممنوع» علاوه بر رونق وضعیت اقتصادی سینماها به مفرح تر شدن جامعه کمک می کند.

### حمایت لازم از سرمایه گذاران انجام نمی شود

اگر شهری سینما نداشته باشد، بیش از همه منتقد سینماست که چیزی برای نقد کردن ندارد. چون چیزی را نمی بیند که نقد کند. منتقد مازندران می هم باید سینما برود، فیلم ببیند، صدای نفس های تماشاگران را بشنود تا بتواند فیلمی را به بوته نقد

بگذارد. شهری که سینما ندارد، بوته نقد منتقد هم خشک می شود. درباره وضعیت سینما در استان با «داوود لطیفی» منتقد مازندران سینما و نویسنده کتاب سینما در مازندران گفت و گو کردیم. این منتقد گفت: تا سال ۵۷ در مازندران ۲۶ سینمای فعال داشتیم. پس از انقلاب هم ۲ سینما در آمل و بابلسر دایر شدند. سینماهای کوثر آمل، فجر قائمشهر، فردوسی و ایران ساری، پاسارگاد و داریوش بابل، شقایق خرم آباد تکابن، مهتاب گلگاه، هتل بزرگ و فتح رامسر، ارشاد چالوس، آزادی نکا، استقلال محمودآباد و پیوند فریدونکنار پس از انقلاب تعطیل شدند. در حال حاضر ۱۰ سینما در شهرهای تکابن، چالوس، آمل، بابل، بهشهر، ساری و بابلسر داریم. به عبارتی از چالوس تا بابلسر یعنی در شهرهای نوشهر، نور، محمودآباد و فریدونکنار که جمعیت قابل توجهی دارند سینما نداریم. در شهرستان قائمشهر هم با جمعیتی حدود ۵۰۰ هزار نفر وضعیت به همین شکل است. با این که این شهر به دلیل ویژگی ها و ساختار

انجام شود وجود ندارد. در واقع نقش آفرینی اصلی که باید نسبت به سینما وجود داشته باشد آنگونه که باید انجام نشده است. ما هم دیدگاهمان همین است. در تمام جلسات تاکید کردیم که به بودجه و ویژه برای این حوزه نیاز است. وی اظهار کرد: سینما مانند مسجد و کتابخانه یک تولی گری مشخص نیاز دارد و باید مستقل اداره شود. تولیت این عرصه باید با برنامه ها و امکانات نرم افزاری و سخت افزاری در این حوزه تحت نام مجموعه ای مستقل و با معنای واقعی سازمان سینما فعالیت کند. سازمانی که خودش برنامه ریزی کند، هدفمندی داشته باشد و نظارت کاملی هم بر تمام فعالیت های سخت افزاری و نرم افزاری عرصه سینما داشته باشد. تشکیل سازمان سینمایی باعث می شود کشور و گسترش فضای فیزیکی سینماها برداریم و با



سینما انقلاب بابل

توان بیشتری به رقابت در عرصه بین المللی پردازیم. این مسئول با بیان این که ۳ کار در حوزه سینما باید انجام شود، تصریح کرد: یک بحث برنامه ریزی همه جانبه است تا بدانیم کجای راه هستیم و چه باید بکنیم. بحث دوم این که متد و محوری را که باید در قالب آن حرکت کرد را مشخص کنیم. یعنی بدانیم سینما متناسب با زمان با چه محورهایی باید فعالیت کند. نمی توان فیلم هایی را اکران کرد که استقبال چندانی از آن ها نمی شود. در عین حال که فیلم ها باید با موازین شرعی جامعه همخوانی داشته باشند باید به روز هم باشند. بخش سوم هم به مدیریت برمی گردد و این که چه مدیریتی پیگیر اجرایی شدن این برنامه ها است. لازم است در نشست های مختلف بحث و هم اندیشی هایی انجام شود. چون این عرصه مهم و تاثیرگذار است. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران خاطر نشان کرد: سینمای کنونی ما با سینمای پیش از انقلاب و زمان طاغوت قابل مقایسه نیست. اما سینمای مطلوب انقلاب هم که بتواند ارزش ها را به تصویر بکشد وجود ندارد. توجه ویژه دولتمردان کشور به سینما از زمان حیات امام راحل وجود داشت و پس از رحلت امام (ره) نیز ادامه یافت. رهبر معظم انقلاب هم نگاهی موشکافانه به سینمای ایران دارند و در دیدارهای خود با سینماگران همواره بر نقش کلیدی هنر هفتم تاکید داشتند. ابراهیمی یاد آور شد: با توجه به ظرفیت های فراوان در حوزه تئاتر و فیلمسازی مازندران، سینماها و تالارهای موجود در این استان در شان هنرمندان و هنردوستان استان نیست. وی با بیان این که باید امکانات مورد نیاز سینماها را فراهم کنیم تا بتوانیم از این ظرفیت فرهنگی استفاده مطلوب را ببریم، گفت: اهمیت به امکانات سخت افزاری و فضای فیزیکی فقط در سینما مورد نیاز نیست. این موضوعی است که درباره مساجد هم صدق می کند. وقتی مسجدی از نظر بهداشتی و امکانات مطلوب نباشد و مثلاً مهر، فرش و سرویس بهداشتی مناسبی نداشته باشد، قطعاً حضور در آن برای نمازگذار هم جذابیتی ندارد. سینما هم همین است. واژه سینما به تنهایی نمی تواند برای جامعه تاثیرگذار باشد. برنامه های مناسب فرهنگی به موازات وجود فضای فیزیکی مناسب سبب تاثیرگذاری در فرهنگ اجتماعی می شود. ابراهیمی اظهار کرد: ما این دغدغه را همواره در تمام جلسات مرتبط اعلام کردیم و باز هم می گوئیم این نگاه و نگرش نسبت به این موضوع باید وجود داشته باشد. این یکی از مشکلاتی است که باید به آن پرداخته شود. عده ای می گویند اینترنت و ماهواره سبب شده

تاثیرگذاری در عرصه فرهنگسازی فعالیت می کنیم. اگر این نگاه را کنار بگذاریم و تابلوی تبلیغاتی باشیم قطعاً هنر مورد سوء استفاده قرار می گیرد. تمام فعالیت های مرتبط با فرهنگ و هنر در جامعه باید همسو با آرمان های انقلاب اسلامی و ارزش های دینی و فرهنگی ما باشد. در مجموع قالب دست اندرکاران استان در این زمینه نگاهی اینچنینی دارند که نقطه مثبتی برای گسترش فضاهای فرهنگی است. البته باید سیاست های حمایتی و تشویقی برای سرمایه گذاران و علاقه مندان به سرمایه گذاری در حوزه فرهنگ و هنر در نظر گرفته شود و این نگرش وجود داشته باشد که اگر نیت اصلی از ورود به این عرصه اعتلای فرهنگ باشد خود به خود همه جوانب برای تبلیغ هم آماده می شود. در جامعه دینی وقف یک امر تاثیرگذار در تمام امور خیریه جامعه است که باید از آن بهره برداری کرد. با تعدادی از نیکوکاران و فعالان وقف در عرصه مدرسه سازی مذاکراتی داشتیم که خودشان اذعان داشتند در بخش مدرسه سازی تقریباً اشباع شدیم و به دنبال این هستیم تا در حوزه های فرهنگی مورد نیاز فعالیتیمان را ادامه دهیم. این ظرفیت ها باید جهت دهی و هدایت شوند تا در بخش گسترش اماکن فرهنگی به ویژه سینماها بتوانیم از آن ها استفاده کنیم. باید با نشست ها و هم اندیشی های لازم گام به گام به سمت شناخت کافی در عرصه سرمایه گذاری های فرهنگی پیش برویم. خوشبختانه حرکت های خوبی در حال انجام است که امیدواریم به مرحله اجرایی شدن برسند. نیکوکاران باید به این نگرش برسند که ورود به عرصه فعالیت های فرهنگی برای همه عرصه های اجتماعی مفید است. باید در نظر داشته باشیم که هزینه ها در فرهنگ سرمایه گذاری هستند.

آیا برای رسیدن به یک حد مطلوب در بخش فضاهای سینمایی سند چشم اندازی ترسیم شده است تا در یک بازه زمانی مشخص برنامه ای اجرایی شود؟

تدوین سند چشم انداز کار یک نفر یا یک نهاد نیست. باید به یک اجماع در سطح مدیریت استان درباره گسترش فضاهای فرهنگی به ویژه سینماها در استان برسیم. استانداری، مجمع نمایندگان، شورای اسلامی شهرها، شهرداری ها، فرمانداری ها، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و تمام نهادها و ارگان ها باید دست به دست هم بدهند تا این خلاء فرهنگی برطرف شود. ما هم در حال تدوین برنامه مدون در این راستا هستیم که آن را به زودی در اختیار استاندار محترم و مجمع نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی قرار خواهیم داد.

### سخن پایانی؟

سینما ظرفیتی است که استکبار جهانی از آن برای تبلیغ ضد نظام اسلامی و دین مبین اسلام استفاده می کند. اما در جامعه خودمان خوب از این ظرفیت بهره برداری نکردیم که باید یک اتفاق مثبت عقلائی در این حوزه بیفتد. ما امیدواریم که استاندار محترم در پایان سال جاری برای سال آینده پیشنهادات مدون ما را در عرصه سینما در سطح استان با نگاه مثبت حمایت کنند و در پیش بینی مالی سال آینده رقم مناسبی را در نظر بگیرند تا بتوانیم با پشتوانه آن حمایت خارج از استان را جلب کنیم. جا دارد در همین جا از همه فعالان این عرصه خاصه از همکاران در استان قدردانی کنم.

### سینما به یک مدیریت مستقل نیاز دارد

مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران درباره کمبودهای حوزه سینما گفت: معمولاً مسائل سخت افزاری سینما به حوزه هنری ارتباط دارد. حوزه هنری هم زیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی مشغول فعالیت است. بخش نرم افزاری آن هم که متناسب با موقعیت ها و فیلم هایی که اکران می شود فرهنگ و ارشاد در آن نقش آفرینی می کند. ۱۰ سینمایی که در سطح استان داریم توقع مردم را در حوزه سینما پاسخگو نیستند. حجت الاسلام «عباسعلی ابراهیمی» افزود: ظرفیت استقبال از سینما در مازندران وجود دارد. اما موقعیت این که استفاده لازم از این استقبال



بسازی در رشد استقبال مخاطب از سینما داشته باشد. پردیس های سینمایی که در تهران وجود دارند نقش مهمی در کشاندن خانواده ها و علاقه مندان به سینماها دارند. تجمع چند واحد هنری در کنار هم می تواند به یک ارتباط و اتفاق هنری نو و تاثیرگذار منجر شود. اتفاقی که متأسفانه در مازندران شاهد آن نیستیم. به گفته وی مشکل دیگر جایابی نامناسب برای ساخت مجتمع های اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در شهرهاست. هزینه زیادی صرف ساخت این مجتمع ها شد، اما به دلیل جایابی نامناسب امکان این که یک خانواده به راحتی بتواند به این مجتمع ها دسترسی داشته باشد وجود ندارد. این مشکل نمی گذارد که همه مردم به سمت این فضاهای فرهنگی بروند. لطیفی اظهار کرد: بخش خصوصی زمانی سرمایه گذاری می کند که از او حمایت شود. متأسفانه از زمانی که یک سرمایه گذار وارد فعالیت می شود همه نهادها و دستگاه ها به جای این که حمایت کنند، از سرمایه گذار درخواست کمک دارند و به اشکال گوناگون سعی می کنند بهره مالی هر چند کم هم شده از این سرمایه گذار ببرند. این معضلی است که در همه بخش ها وجود دارد و فقط منحصر به فرهنگ و سینما نیست. بوروکراسی های اداری آنقدر زیاد و دست و پاگیر هستند که سرمایه گذار عطای فعالیت در این عرصه را به لقای می بخشد. بقیه این گزارش را در سایت مازندنامه بخوانید



## در جلسه شورای شهر ساری بیان شد

## ساری الگوی معماری ندارد

## نورافشانی ساری در جشن میلاد پیامبر

مهدی عبوری در جلسه شورای شهر ساری، اظهار داشت: در شب جشن میلاد پیامبر، راس ساعت هشت شب از بلندای عمارت شهرداری، ساری را نورافشانی می‌کنیم. وی یادآور شد: به یاد بهمن سال ۵۷، در سطح شهر ساری ۵۷ طاق نصرت نصب می‌شود که برای همیشه به یادگار می‌ماند. عبوری با اشاره به اینکه ترمیم معابر به صورت جدی در دستور کار شهرداری قرار دارد، تصریح کرد: نهضت آسفالت و انجام صحیح میلمان شهری در حال انجام است و به ویژه در بخش عمرانی چند ماهی است که در شهر با قوت بیشتری صورت می‌گیرد. وی ادامه داد: از سال آینده، کارهای عمرانی که قرار است در هر منطقه و محله انجام شود، به صورت فصلی، از قبل اعلام

مازندنومه، کلثوم فلاحی: محمدحسن محمدی کیادهی در نطق پیش از دستور خود در جلسه علنی شورای شهر ساری، اظهار داشت: در جلساتی که شهرداری ساری برای تنظیم بودجه داشت، شرکت کردیم و به عقیده من این بودجه واقعی است. عضو شورای شهر ساری با اشاره به اینکه بودجه شهرداری ساری به ۱۳۰ میلیارد افزایش یافته است (رشد ۴۰ درصدی)، تصریح کرد: بودجه امسال شهرداری ساری، ۹۳ میلیارد تومان بود. این عضو شورای شهر ساری با اشاره به اینکه سال گذشته سرانه کل بودجه نسبت به جمعیت ۳۴۰ هزار تومان بود، خاطر نشان کرد: این رقم امسال به ۴۲۰ هزار تومان معادل تقریباً ۲۷ درصد افزایش یافته است. کیادهی ادامه داد: در سال ۹۲ شهرداری منطقه یک به میزان ۳۲ میلیارد تومان، شهرداری منطقه ۲ به میزان ۲۷ میلیارد تومان و شهرداری منطقه سه هم باید ۷/۵ میلیارد تومان در آمد داشته باشند. وی با بیان اینکه مخالفان شهردار ساری، سازمان اکنون به جان هستند، گفت: این افراد اکنون به جان سازمان های شهرداری افتاده‌اند. کیادهی با اشاره به اینکه سازمان عمران، فعال ترین سازمان شهرداری ساری است، تصریح کرد: من با ۲۰ شهردار کار کرده‌ام و خودم هم در دوره‌ای شهردار بودم و این تفاوت‌ها احساس می‌شود. وی با بیان اینکه هیچ یک از اعضای شورا، حق دخالت در عزل و نصب شهرداری را ندارند، اظهار داشت: شهردار خود در این زمینه سیاست‌هایی دارد.

## پارک مادر چه شد؟

سیدمهدی احمدی در این نشست، اظهار داشت: سی و پنجمین دوره از مسابقات کشوری قرآن کریم در شهر ساری آغاز می‌شود و از اصحاب رسانه درخواست داریم پوشش خبری این مسابقات را به نحو مطلوب انجام دهند تا حق مطلب ادا شود. وی خطاب به شهردار ساری، یادآور شد: قصه پارک مادر و محوطه سازی میدان فرح آباد ساری به کجا انجامیده است؟

## ترمیم معابر از وظایف شهرداری است

جمال باقری در جلسه علنی یکشنبه شب شورای شهر ساری، اظهار داشت: ترمیم معابر از عمده کارهایی است که توسط شهرداری صورت می‌گیرد. وی ادامه داد: ما مردمی را می‌بینیم که برای ترمیم معابر محل زندگی خود، مدت‌ها دغدغه دارند و در نهایت دست به دامن عضو شورا و یا هر مسئول دیگری می‌شوند. باقری با اشاره به اینکه این روش کاری که از قبل در شهرداری وجود داشته و اکنون هم گاهی دیده می‌شود، باعث تحقیر مردم شهر است، تصریح کرد: در این زمینه اطلاع رسانی شود که ترمیم معابر، از وظایف شهرداری است و نیازی نیست مردم برای ترمیم معابر محل زندگی خود، دست به دامن عضو شورا شده و خود را به نوعی بدهکار و مدیون آن فرد بدانند. باقری با اشاره به اینکه سازمان عمران به وظیفه خود اشراف دارد، یادآور شد: مردم هم از این وضعیت پلاتکلیفی، خارج می‌شوند. وی ضمن تشکر از خدمات راحله حاجیان، مسئول سابق اداره فرهنگی شهرداری ساری، گفت: اگرچه این بانوان اکنون در حوزه دیگری کمک کار شورا و شهرداری است اما به دلیل خدماتی که طی یک سال گذشته در اداره فرهنگی شهرداری متقبل شد، جای قدر دانی دارد.

## الگوی معماری داشته باشیم

مهدی رضایی فرح‌آبادی با بیان اینکه معماری هر شهر، هویت آن شهر و مردم را متجلی و معرفی می‌کند، گفت: معماری مادر خورشان ساری کار نشده و تعریف خاصی در این رابطه صورت نگرفته است. وی با بیان اینکه در رابطه با بافت فرسوده هم کاری صورت نگرفته است، افزود: تدبیری صورت گیرد تا الگوی معماری داشته باشیم و چنانچه فردی در ساخت و ساز از این معماری بهره برد، گزینه‌های تشویقی در نظر گرفته شود. این عضو شورای شهر ساری خاطر نشان کرد: اگر به مردم الگو ارائه بدهیم، استقبال می‌کنند و شهر ما هم زیبا می‌شود.

کشوری و استانی و شهرستانی به جای شیوه جابه جایی و پاک سازی، روش توانمندسازی را جایگزین کرده است. آقامیری با اشاره به این که در مورد ترک محله پیشنهاد جا به جایی دارم، تصریح کرد: بر اساس مصوبات برنامه پنجم و قوانین عادی ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیر رسمی به عهده وزارت راه و شهر سازی است که در قالب ستاد ساماندهی، برنامه‌های مطالعاتی و اجرایی، مدیریت کند. این عضو شورا با اشاره به اینکه شهرها چهره‌های دوسویه دارند، ادامه داد: شهر هم می‌تواند کانون تولید، اشتغال و مراکز جهت تنوع و وفور نعمت باشد اما در سوی دیگر می‌تواند مرکز آسیب‌های اجتماعی، جرم، بزه و انواع نا امنی باشد. وی با بیان اینکه سکونت‌گاه‌های غیر رسمی، محصول طبیعی نبوده، بلکه محصول ساختار قدرت نظام اجتماعی موجود است، اظهار داشت: در حال حاضر روستاها توانایی نگهداری ساکنان خود و ایجاد شغل و تامین معیشت آنها را ندارند و این افراد عمدتاً کم سواد و بدون مهارت شغلی راهی شهرها می‌شوند و این در حالی است که اقتصاد بیمار، تنها روستاها را دچار مشکل نکرده و شهرها نیز به نوعی دیگر و شاید حادثه با این مشکلات دست به گریبان هستند. عضو شورای شهر ساری خاطر نشان کرد: با مهاجرت روستاییان، بر مشکلات شهرها افزوده شده و باعث رانش افراد فقیر از درون شهرها به پسرکانه‌ها می‌شود و بزرگترین مشکل مهاجران، مسکن و شغل است. وی با بیان اینکه در زمینه مسکن، با ایجاد سکونت‌گاه‌های غیر رسمی و در زمینه



شغل هم با پرداختن به مشاغل کاذب و با فعالیت در زمینه قاچاق، سرعت و سایر فعالیت‌های مجرمانه به سازگاری با محیط می‌پردازند، اظهار داشت: سکونت‌گاه‌های غیر رسمی در درون خود به باز تولید خود و آسیب‌های اجتماعی می‌پردازند و در نتیجه مانند یک سیاهچاله پیرامون خود را هم، آلوده کرده و به درون خود می‌کشد. آقامیری خاطر نشان کرد: شاید بهترین مثال در مورد رابطه سکونتگاه غیر رسمی و شهر، رابطه خانواده با فرزند ناخلف باشد که در صورت طرد و راندن، بیشتر دچار معضل می‌شود.

## بعضی از کارها، اعتبار نمی‌خواهد بلکه نیازمند مدیریت است

محمد دامادی در جلسه علنی یکشنبه شب شورای شهر ساری اظهار داشت: خبرنگاران در بدترین شرایط، پیگیر مسائل هستند. وی ادامه داد: اگر خبرنگاران به عنوان چشم بیدار جامعه، حضور نداشته باشند هیچ مدیری نمی‌تواند موفق باشد. دامادی با بیان اینکه خبرنگاران قلم خود را به هیچ بهایی نمی‌فروشند و این یک افتخار است، تصریح کرد: از افتخارات زندگی‌ام است که مدتی قبل از ورودم به شورای شهر ساری، خبرنگار بودم. وی با اشاره به اینکه امروز به نقطه‌ای رسیدیم که ۵۱ درصد از جامعه را نادیده نمی‌گیریم، افزود: ای کاش رئیس جمهوری قدری تحمل می‌کرد و دولت تمام می‌شد و وزیر بهداشت هم در سمت خود باقی می‌ماند چرا که نشان داد کابینه می‌تواند حضور بانوی قوی را به همراه داشته باشد و در پارلمان شهر هم بانویی بود که ایستادگی می‌کرد. نماینده ساری و میاندرد یادآور شد: از دغدغه‌های مهم ما، بحث راه آهن است که از مرکز ساری به طول ۱۰ کیلومتر عبور می‌کند. وی با بیان اینکه با خارج کردن ریل راه آهن از بافت شهری، از محل فروش زمین‌های ۱۰ کیلومتر خط آهن، علاوه بر کسب هزینه‌های این کار، مبلغی هم در نهایت برای راه آهن باقی می‌ماند، تصریح کرد: بعضی از کارها، اعتبار نمی‌خواهد بلکه نیازمند مدیریت است. دامادی خاطر نشان کرد: با انجام این کار هم در راستای امنیت مردم گام برداشتیم و ارزش افزوده برای زمین‌های راه آهن باقی می‌ماند و مردم را هم از بیغوله نشینی خارج می‌کنیم. وی ادامه داد: به عنوان سخنگوی فراکسیون کارگری مجلس، از این تریبون به وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی، وزیر صنعت، معدن و تجارت و همچنین وزیر اقتصاد در رابطه با بازنشتگان فولاد که هنوز معوقات آنها به صورت کامل پرداخت نشده، هشدار می‌دهم این مسئول خاطر نشان کرد: به هیچ عنوان از حقوق کارگران نمی‌گذریم.

پسند مردم عزیز را با صافی دل صفا بخشیم و آنگاه نسبت به غرس نهال نیکی در فضای فرهنگ و اندیشه و هرس شاخه‌های بدبینی اقدام کنیم. مسئول روابط عمومی شورای شهر ساری خاطر نشان کرد: باتاسیس این اداره، چه افتخاری برای بنده از این بالاتر که به عنوان نخستین مسئول این اداره در خدمت شهروندان ساری بوده‌ام و این افتخار را هم مرهون اعتماد حاجزی، شهردار سابق ساری، هستم و از اعتماد وی سپاسگزارم. حاجیان با اشاره به اینکه اداره کردن این مجموعه تازه تاسیس که البته انتظارات فراوانی را نیز به دنبال داشت و شاید هم شوق القمر کردن، کار آسانی نبود، یادآور شد: هنوز هم تلاش‌های فراوانی را می‌خواهد تا بتواند به شهروندان معرفی شود و گام‌های اساسی در راه اعتلای فرهنگ شهروندی بردارد. مشاور شهردار ساری در امور بانوان و خانواده، ادامه داد: توجه به همه سلیقه‌های دوستان چه در شهرداری و چه در نهاد شورای اسلامی شهر و اعتنا به نیازهای فرهنگی مرکز استان، کار را در اجرای برنامه‌های فرهنگی با مشکلات فراوانی رو به رو می‌کند که البته سعی کردم در مدت خدمتم در این مجموعه، به این مهم توجه داشته باشم که البته راهی جز این نبود. حاجیان با اشاره به اینکه فرهنگ سازی و کار در حوزه فرهنگ نیاز به تامین بودجه‌های فراوان دارد، گفت: با افتخار اعلام که اداره فرهنگی شهرداری ساری در مدت فعالیت اینجانب با توجه به در اختیار داشتن بودجه ۱۰۰ میلیونی توانست ۴۰ برنامه هر ۹ روز یک برنامه را با کمتر از ۸۰ میلیون تومان هزینه، برگزار کند که البته این کم هزینه کردن‌ها نشان از بی‌توجهی به کیفیت برنامه‌ها نبود بلکه سعی شد با تعامل با برگزارکنندگان برنامه‌ها و تفهیم ارزش کار فرهنگی، برنامه‌ها با حداقل دستمزدها برگزار شود و باید این مهم را در فهرست کارهای شوق القمر شده دانست، در واقع در حوزه اعتباری از ردیف دل استفاده می‌کردم که فرجام آن، نتایجی بود که به شکر خدا بر دل می‌نشست. وی خاطر نشان کرد: انتظار می‌رود از این پس که بودجه اداره فرهنگی میلیاردی شده با حضور جناب دکتر رحمانی در سمت معاونت فرهنگی، شاهد شکوفایی حوزه فرهنگ شهروندی با اجرای برنامه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی باشیم.

## سکونت‌گاه‌های غیر رسمی، محصول طبیعی نیستند

سید محمد آقامیری در این جلسه اظهار داشت: یکی از مشکلات شهر ساری توسعه ناهمگون در سنوات گذشته و ایجاد سکونت غیر مجاز است که از سال ۸۲ تا کنون دولت با تصویب قانون و ایجاد ستاد



می‌شود. شهردار مرکز استان با بیان اینکه نقشه پارک مادر آماده شده است، گفت: در محوطه این پارک، کارگاه ساختمانی کتابخانه ملی در حال کار است و چند بار تذکر دادیم که این کارگاه جمع‌آوری شود و پیمانکار مهلت گرفت تا این کارگاه را از محوطه پارک جمع‌آوری کند. وی با اشاره به انتصاب‌های اخیر در شهرداری ساری، خاطر نشان کرد: مشاور امور بانوان و خانواده را در شهرداری ساری تشکیل دادیم. عبوری ادامه داد: بیش از ۱۳۰ بانو در شهرداری ساری شاغل هستند و پیش از این، مامنی برای پیگیری مسائل مرتبط با بانوان نداشتیم. وی افزود: واحد امور رسانه‌ها را هم با مشورت خانم راحله حاجیان راه‌اندازی کردیم. عبوری با بیان اینکه راحله حاجیان در سمت رئیس اداره فرهنگی شهرداری ساری، بهتر و بیشتر از بعضی از مردهای شاغل در شهرداری، کار می‌کرد، تصریح کرد: پس از ارتقای اداره فرهنگی به معاونت فرهنگی، تصمیم گرفتیم از فرد دیگری در این سمت استفاده کنیم. وی با اشاره به اینکه کمربندی دغدغه مردم ساری و استان است، اظهار داشت: با عزم جدی در حال بازگشایی کمربندی شمالی در ساری هستیم.

## ۴۰ برنامه فرهنگی طی یک سال اجرایی کردیم

راحله حاجیان در این جلسه در نطقی، اظهار داشت: یک سال از فجر اداره فرهنگی شهرداری می‌گذرد. رئیس سابق اداره فرهنگی شهرداری ساری ادامه داد: یک‌ساله است در میدان خاطره‌های تلخ و شیرین در حوزه فرهنگ از تندیس‌های طلایی تعامل دوسویه مطبوعات توانستیم شهرداری را در حوزه فرهنگی در میان ادارات در صدر بنشانیم. وی خاطر نشان کرد: می‌ان است که پیوسته از کوجه‌های اغماض عبور کردیم تا در چاله‌های عمیق تنگ نظری برخی از مدعیان حوزه فرهنگ از مسیر باز نایستیم که البته تعداد آنان به اندازه نصف انگشتان یک دست نیست و حکایت آنها مانند مردی است که داخل خانه‌ای شد و پایش گاهی به دیگ می‌خورد و گاهی به پیاله و می‌گفت «چرا این وسایل را به کناری نمی‌گذارید» و گفتند «تو چشم بصیرت نداری و نمی‌بینی و الا همه چیز در جای خود قرار دارد». مشاور رسانه‌ای شهردار ساری افزود: اگر چه در این مسیر از جان مایه گذاشتیم تا نتیجه کارها به جان مردم بنشیند اما آن اندک افراد متفاوت گمان کردند می‌توانند با پای در چکمه آهنین کرده‌شان بر گردنت فشار بدهند تا جان بدهی تا چند صباحی جانی دوباره بگیرند غافل از آن هستند که در این مسیر عقل، دل، منطق و عشق حاکم بود. وی با اشاره به اینکه امروزه همه ادعا می‌کنند که می‌خواهند کار فرهنگی انجام دهند، متذکر شد: حتی شرکت دخانیات که سیگار را

# محدودیت های مالی، دلیل موجهی برای سوء مدیریت نیست

دو دانش آموز کلاس سوم راهنمایی پنج شنبه گذشته هنگام بازگشت از تمرین فوتبال در حاشیه جاده لاریم به ساری در حالی که هنوز عرق بدن شان خشک نشده بود با بی احتیاطی راننده یک تریلر سنگین به طرز دلخراشی مرگ را در آغوش کشیدند.



همه ما روزانه شاهد تلفات جاده ای به دلیل بی احتیاطی یکی از طرفین حادثه و مرگ هموطنان عزیز در مناطق حادثه خیز استان هستیم. در این بین شاید با حضور پر رنگ انواع سازمان های بیمه گر اندکی از خسارت ها جبران شود، ولی افسوس که هیچ مرهمی نمی تواند زخم دل داغدار کسانی که عزیزان خویش را با هر عنوان (پدر، مادر یا فرزند) از دست داده اند، التیام بخشد. چه بسا کانون های گرم خانواده از هم پاشیده شده و آثار زیان بار روانی بر مصیبت دیدگان حوادث تلخ این چنینی مشاهده می شود. آنچه نگارنده را بر آن داشت تا این چند سطر را بنویسد مرگ دلخراش دو نوجوان ورزشکار لاریمی است که داغی سنگین بر روح و جان مردم این منطقه به ویژه خانواده های داغدار و مصیبت دیده برجای گذاشت. ابوالفضل نعمت شاهی

وحسام کاکولاریمی دو دانش آموز کلاس سوم راهنمایی پنج شنبه گذشته هنگام بازگشت از تمرین فوتبال در حاشیه جاده لاریم به ساری در حالی که هنوز عرق بدن شان خشک نشده بود با بی احتیاطی راننده یک تریلر سنگین به طرز دلخراشی مرگ را در آغوش کشیدند. جاده ساری - لاریم و بابلسر با قدمت بیش از ۴۰ سال، یکی از محورهای مواصلاتی پر تردد استان است که نقش مهمی در حمل و نقل جاده ای استان دارد.

اهمیت این جاده به دلایل زیر است:

۱- ترافیک سنگین شهرهای مرکزی استان به ویژه در ایام تعطیلات برای تردد مسافران و گردشگرانی که قصد عزیمت از شرق به غرب استان و یا برعکس را دارند موجب هجوم رانندگان وسائل نقلیه تندرو ولی نا آشنا به مسیری می شود که متاسفانه برخی از آنان برای همیشه با هم آغوش شدن با مرگ، از معضل لاینحل ترافیک رهایی می یابند.

۲- استقرار دو شهرک صنعتی بزرگ مرکز استان (ساری و جویبار) زمینه تردد وسائل نقلیه سنگین شامل انواع کامیون و تریلر برای ترانزیت کالا، مواد اولیه مورد نیاز، خدمات و تولیدات ده ها واحد صنعتی بزرگ و کوچک را فراهم کرده که نه تنها زندگی را بر مردم روستائین حاشیه جاده تنگ کرده، تصادفات و حشتناک منجر به فوت به ویژه برای دانش آموزان را نیز افزایش داده است.

۳- با شروع فصل کشاورزی تردد وسائل نقلیه کندرو (تیلر، تراکتور، کمباین) کشاورزان روستاهای اطراف، بر خطرات افزوده، چه بسا کشاورزانی که هنگام مراجعت از کار سخت روزانه، تاریکی شب و بی احتیاطی رانندگان آنان را به آرامش ابدی رساند.

این سه عامل عمده در کنار تردد روزمره ساکنان روستاهای مسیر

## یادداشت میهمان

### جاده ای که مهربان نیست

بهمن صادقی لاریمی: تلفات ناشی از رانندگی در ایران به خصوص در مازندران آن قدر زیاد و چالش بر انگیز است که ارزش آن را دارد تا مشکلات و نارسائی های آن بارها تکرار شود. البته بخش راه در مازندران با چالش های مهمی همراه است، از جمله محدودیت منابع، محدودیت زمین، مصالح، مالکیت زمین در حریم راه، تراکم و نزدیکی روستاها به هم و... لذا محدودیت ها را درک کرده تا خواسته های مان را منطقی کنیم و از درخواست طرح های آرمانی و غیر قابل اجرا پرهیز کنیم. فعلا در این شرایط خواهان آزاد راه، بزرگراه، و... نیستیم و به اصلاح، به سازی، تعریض و... همین راه های موجود قانع هستیم.

با محدودیت ها آشنا هستیم اما به اولویت ها هم اعتقاد داریم عمر طراحی و احداث جاده لاریم - ساری حدودا به بیش از چهل و پنج سال می رسد که با نیازهای آن روز منطبق بود. امروز که تعداد وسایل نقلیه نسبت به آن روزها ده ها برابر شده، این راه دیگر توان و تحمل ترافیک را ندارد و تقریبا هفته یا روزی نیست که خانواده ای را عذاب نکند. درست است که جاده لاریم - ساری روستایی است ولی در حقیقت یکی از راه های مهم ساحلی و ارتباطی شرق و غرب استان هم محسوب می شود که سالانه هزاران وسیله نقلیه مسافران بین بابلسر، جویبار، فرح آباد و ساری از این راه عبور می کنند. با محدودیت ها آشنا هستیم اما به اولویت ها هم اعتقاد داریم. اطمینان داریم تصمیم سازان و تصمیم گیران استان می توانند در همین شرایط سخت با اولویت گذاشتن به پروژه های اساسی، بسیاری از این مشکلات را حل کنند. از آنجایی که ده ها فعالیت برای اداره راه و شهرسازی تعریف شده این اداره می تواند حذف نقاط حادثه خیز را اولویت اول خود قرار و تصادفات مرگبار را تا حدود زیادی کاهش دهد.

### جاده ای مین گذاری شده!

جاده لاریم - ساری - که رانندگی در آن بیشتر شبیه رانندگی در زمین های مین گذاری شده است - از حداقل امکانات هم محروم است، حتی ساکنان اطراف این جاده و افرادی که منتظر وسیله نقلیه می مانند یا کشاورزانی که مجبورند از این راه استفاده کنند و... بارها توسط اتومبیل های عبوری که عمدتا آشنایی کمتری با این راه دارند تصادف کرده و جان خود را از دست داده اند. با کمی توجه به این راه مثل ساماندهی ورودی و خروجی روستاها، تعریض شانه های راه، علامت گذاری، ساماندهی مکان سوار و پیاده شدن افراد، ایجاد پل روگذر، روکش آسفالت، ایجاد موانع فیزیکی و... می توان در کوتاه مدت بسیاری از این مشکلات را مرتفع نمود. هر چند فعالیت هایی صورت گرفته، ولی اگر منصفانه قضاوت کنیم نسبت به عمر احداث این راه کار اساسی صورت نگرفته است، به عنوان نمونه پیچ عباسعلی کش که بهتر است آن را پیچ مرگ بنامیم پس از این همه سال هنوز اصلاح نشده و باعث ده ها تصادف مرگبار شده است که می توان با احداث حدود دویست متر راه، یا اصلاح هندسی آن پیچ، جان چندین نفر را نجات داد که هزینه احداث آن از دیه چند نفر هم فراتر نخواهد رفت. بگذریم از جان های گران بهایی که هدر رفته و قابل قیمت گذاری نیستند.

### مدیران بهانه تراشی نکنند

علاوه بر این مشکلات در سالهای اخیر فعالیت های غیر اصولی هم صورت گرفته است، به عنوان مثال پل عابر پیاده ای که در روستای لاریم احداث نمودند پایه پل آن قدر به آسفالت نزدیک است که تا به حال باعث چند تصادف شده است. ضمن اینکه ورود و خروج وسیله نقلیه اهالی به داخل روستا را با مشکل جدی مواجه نموده است. هر چند همه می دانیم اوضاع اقتصادی بر وفق مراد نیست ولی می دانیم مدیران شایسته و توانمند در همین لحظه هاست که متولد می شوند. این روزها تعدادی از مدیران بهانه می کنند که منابع مالی کافی ندارند، یادمان باشد قرار نیست منابع بر ما مدیریت کند، برعکس، این ما هستیم که بر منابع مدیریت می کنیم، وگرنه مدیریت در شرایط فراوانی، کار هر کسی می تواند باشد. عیب ما این است که می خواهیم چندین فعالیت را همزمان با هم شروع و به تمام برسانیم، غافل از اینکه حتی ثروتمندترین کشورهای دنیا هم قادر نیستند همه کارها را همزمان انجام دهند. اگر بتوانیم اولویت ها را مشخص کنیم و جان انسان ها را بر هر چیز دیگر مقدم بدانیم، می توانیم با همین اندک منابع، کارهای ارزشمندی انجام دهیم.

برای تامین نیازمندی های روزانه به مرکز استان برای تامین مایحتاج (تحصیل، اشتغال، ورزش و...)، افزایش بی رویه انواع ماشین های تندرور در کنار بی احتیاطی های گسترده توسط راکبان و حتی عابران پیاده را باید در کنار بی توجهی جدی مسئولان گذاشت. البته ما منکر خدمات صورت گرفته نیستیم، اما سوال اساسی این است که علی رغم فعالیت های به زعم خوب مدیران در طول سال های اخیر ارزشی در برابر جان حتی یک دانش آموز ۱۳ ساله را داشته یانه؟ فلذا متذکر می شوم:

کم عرض بودن جاده ای که برای بیش از ۴ دهه قبل ساخته شده است، ایمن نبودن ورودی و خروجی بسیاری از روستاها، نامناسب بودن مکان سواره و پیاده شدن مسافران مسیر و همچنین شانه های راه، نداشتن علائم ایمنی کافی، شکستگی زیاد آسفالت در بسیاری از مسیر راه که برخی رانندگان را برای سالم ماندن بدنه ماشین وادار به تغییر جهت ناگهانی می کند، نداشتن پل روگذر یا زیرگذر و چندین عامل محیطی و موانع فیزیکی و... همه وهمه می تواند بر این مدعا باشد که به راستی می توان جاده مذکور را جاده مرگ نامید.

بیان محدودیت های مالی، گران بودن تملک زمین های حاصلخیز و... آیا دلیل موجهی برای سوء مدیریت بر همان داشته های اندک یا اولویت گذاری مسئولان در اجرای برخی پروژه های ملی که هر ساله با جان صدها انسان بی گناه بازی می کند، باشد؟

آیامی توان بودجه های کلانی را که صرف احداث جاده و ارائه دیگر خدمات رفاهی برای خوش نشین ها و صاحبان املاک و ویلاهای آن چنانی در مناطق صعب العبور کوهستانی برای رفاه حال بسیاری از مرفهان بی درد و بعضا صاحب نفوذ که حاصلی جز ویرانی طبیعت، تضییع حقوق بیت المال و تاراج انفال عمومی را ندارد، جایگزین کرد؟



در روز محشر هر نهم پیدا شود هم خود و هم مجری رسوا شود

برخی کاربردستان امور نباید در مورد حجاب برتر سعی در توجیه جامعه داشته باشند. متاسفانه به صدق (اکثرهم لایعقلون) اکثریت ما اهمیت شعائر الهی را نمی شناسیم و به جای اضطراب ناشی از واقع بینی در آرامش خواب آلوده ناشی از خوشبینی خفته ایم و تنها هنگامی به اهمیت ویژه رعایت این دستورات پی خواهیم برد که ملاحظه کنیم دشمنان انسانیت همه توان خود را بهره گیری از ابزار و حربه های گوناگون برای مسخ نوع اعتقادات مان به کار گرفته اند.

## حجاب را توجیه نکنیم

میهمان، زهرا مستشرق: کمی دورتر برویم، آنجایی که نه مردسالاری بود و نه استبدادی و نه جامعه ای، جایی که فقط آدم (ع) بود و همسرش. از خلقت اشرف مخلوقات چیزی نگذشته بود که سر و کله شیطان پیدا شد. البته خدای مهربان قبلا سفارش کرده بود، اما شیطان گفت و گفت تا این که تسلیم شدند. آن دو فریب خورده و اندام شان آشکار شد. پس خدا دوباره برای ما تکرار کرد: ای فرزندان آدم، شیطان شما را نفریید! آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و لباس را از تن شان بیرون آورد.

حجاب پوشش فطری است. راس هرم فضائل اخلاقی حجاب است، حجاب تن، حجاب پندار، حجاب گفتار، حجاب رفتار و از همه مهم تر حجاب جسم. حجاب ثروت جسم است. حجاب اسلامی مخصوصا حجاب برتر (چادر) آن چیزی نیست که بر سر معامله های سیاسی توجیه شود و گروهی آن را ابزاری برای قدرت و گروهی هم آن را وسیله ای برای رسیدن به اهداف قرار دهند. در فرهنگ اسلام، زن انسانی قابل ستایش، موجودی عاطفی، مادری و الامقام و ارجمند، عنصری مطلوب و سازنده، همسری فداکار، مربی ای لایق و احیاگر ارزش های معنوی و تاریخی معرفی شده است اما اسلام در مورد کمال زن و احتیاج روحی و روانی او حجاب را مقرر می دارد. اکنون دشمنان ما با برنامه ریزی مدون و مستمری که به دیده تجربه شده، شعاع محور خانواده سالم یعنی زن را نشانه رفته اند و با سهل انگاری بعضی از خواهرهای بدحجاب مثلا دلخوشی برای آنان ایجاد کردند. اعتقاد بانوان اسلامی بر این جمله است: کسی که زیبایی اندیشه دارد ظاهر خود را به نمایش نمی گذارد، چرا که:

## زور که نیست، بگذارید مازندران تجزیه شود



فیروز مازندران: سریال شبهای بره را که یادتان هست؟ یک صحنه‌ای در آن بود که برای بره بودجه رسیده بود و بالا بره‌ای‌ها و پایین بره‌ای‌ها بر سر این مسئله که این بودجه برای کدام بره هست به جان هم افتادند. حالا نمی دانم سرخوخه به یاور طغرل چی گفته بود که او گفت: من باید بگویم این بودجه چه جوری خرج بشود حالا بگذار اینها به جان هم بیفتند تا این دل من خنک بشود! حالا این شده حکایت مازندران! ایران یک کشور فدرال مثل آلمان یا منطقه‌ای

شهر، محل، بخش، روستا و نظائر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند که باید در تصمیم‌گیری‌ها و نظارت بر حسن اجرای تصمیم‌ها چنین رویکردی داشته باشند. از استانداردی بخواهید که از شورای اسلامی استان که نمایندگان غرب و شرق استان هم داخل آن هستند در اداره امور مشورت بگیرد و همین کار را فرمانداری‌های غرب و شرق استان در مورد شوراهای اسلامی شهرستان خودشان انجام بدهند.

احساسات ملی‌گرایانه به هیچ وجه عقلانی نیست و باعث محدودیت و جنگ و خونریزی می‌شود. اینکه چون تنکابنی‌ها و رامسری‌ها گیلک هستند حتما باید جزو گیلان باشند به اندازه این حرف من احماقانه هست که زبان مازندرانی را باید در مدارس استان آموزش داد و در پنجاه درصد از برنامه صداوسیما استان از آن استفاده کرد.

اداره ملت‌ها و زیرملت‌ها باید بر مبنای منطق باشد نه بر مبنای احساسات پوچ ملی‌گرایانه. من یکی که با تمام علاقه‌ام به مازندران و زبان، تاریخ و فرهنگش اگر از این به بعد بخواهد صحبت از تمامیت ارضی و تجزیه مازندران بشود آن را به سهم خودم گل می‌گیرم. شما رانمی دانم.

مرده است و ما از تاریخ مازندران چه از شرقش و چه از غربش چیزی نمی‌دانیم چه عیبی دارد غرب مازندران استان بشود؟ دماوند و گدوک مال تهران بشود و گلستان نوخوانده هم بیاید میانکاله را بگیرد؟ حالا من با تمام حماقتم (!) می‌خواهم به جای این کارها چند تا پیشنهاد برای موافقان و مخالفان تقسیم مازندران بدهم:

۱- از استانداردی مازندران بخواهید که یک دفتر در غرب مازندران تاسیس کند، تا وظایف استانداری را در آن منطقه انجام بدهد

۲- رضا اصغری که یک حقوقدان قائم‌شهری است در مقاله‌ای که در همین سایت منتشر شده بود گفته است که: طبق اصل هفتم قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان،

مثل فرانسه نیست که استان‌ها در اداره امور داخلی خودشان دارای اختیاراتی باشند. غرب مازندران استان هم بشود همین آش و همین کاسه هست، البته اگر آنها نخواهند در جمع ماباشند زور که نیست. ضمناً آن زمان که در مازندران حکام محلی جولان می‌دادند مازندران دو تکه بود شرقش زیر سلطهٔ باوندیان و غربش زیر سلطهٔ پادوسانیان بود. صفویه با برانداختن آنها مازندران را متحد کرد! ضمناً مگر مازندران یک کشور مستقل هست که ما از تمامیت ارضی یا تجزیه‌اش حرف می‌زنیم؟! این مسائل تا آنجا که من می‌دانم برای ملت‌ها صدق می‌کنند نه برای مازندران ما که زیرملت است! تازه بگیریم هم که صدق کند مرزهای سیاسی در طول تاریخ همیشه تغییر کردند و دلیلی ندارد که مازندران برای همیشه باقی بماند، وقتی زبان مازندرانی

## بازتاب نامه حسین اسلامی اندیشه به جای توهین

پرداخته، روا نیست. بهتر این بود شما هم نامه یا یادداشت نوشته و به عنوان نماینده‌ای از غرب استان که بی‌مهری‌هایی را دیده یا شنیده است وارد عمل می‌شدید. من با وجود سن نه‌چندان زیاد باور دارم این امر (دو تکه شدن مازندران کنونی) مستلزم زیر ساخت‌هایی است که بی‌شک عزیزانی که تمایل به تجزیه دارند و استاندار محترم باید در جلسه‌ای مشترک با حضور کارشناسان موافق و مخالف و اصحاب رسانه به رای و نظر بگذارند.

بهرتر این بود طرح تجزیه و اختلافات پیش از ارائه به بهارستان در استان تصمیم‌گیری و حل و فصل می‌شد تا به نفع همگان باشد. روی دگر سخنم البته با استاد اسلامی است شما که حتماً می‌دانند پس از انقلاب چند استان جدید تشکیل شد.

راه دوری نمی‌رویم، مگر مازندران تجزیه نشد؟ استاد ارجمند تصور کن اکنون تنها مازندران و گلستان در زمره یک استان بودند، آیا منصفانه بود فردی که کاری هر چند کوتاه دارد برای سفر به مرکز استان از گرگان یا گنبد به ساری می‌آمد و چندین ساعت راه طولانی را با خطرهای جاده‌ای می‌پیمود؟ از غرب استانی که دوری مسافت را دلیلی مناسب برای جدا شدن می‌داند، تا افرادی که تجزیه استان را خیانت می‌دانند، آیا کسی که بنا به دلایلی - خواه پسند عقل سلیم و خواه ناپسند - تمایل به تجزیه استان دارد در زمره خیانت کاران است و با فتنه‌گر برادر و برابر؟

بهرتر است دو طرف - موافقان و مخالفان تجزیه - به جای هتاک‌ها و از بین رفتن حرمت‌ها، در جلسه مشترکی با حضور تعدادی نماینده از دو گروه به بحث بنشینند تا تفکر جای توهین را بگیرد.

رضا شریعتی، وبلاگ نویس: چندسالی است که استان شدن غرب مازندران به موضوع جنجالی خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مجازی مازندران مبدل شده است و هر کس به زعم خود به نوعی در برابر این موضوع واکنش نشان می‌دهد.

در گرماگرم انعکاس خبرهای استان شدن غرب مازندران و عکس‌العمل‌های رسانه‌ای آن، طی چند روز گذشته استاد حسین اسلامی ساروی در مقاله‌ای وزیر کشور را مورد خطاب قرار می‌دهد و سخنان دلسوزانه خود را در قالب نامه‌ای انتشار می‌دهد.

برای اولین بار نیست که این استاد فرهیخته تاریخ دست به قلم شده و با ادبیات خاص خود از موضوعی شکوه می‌کند. پیش‌تر هم او مقالات و دست‌نوشته‌هایی را در رسانه‌ها منتشر کرد که قطعاً از سر دلسوزی بود. هر چند سبک نگارش نامه‌های استاد کمی متفاوت است و همین سبک متفاوت تا حدودی برای برخی ابهام‌آفرینی کرده است.

در طول چند روز گذشته که آخرین دست‌نوشته‌های او منتشر شد، عکس‌العمل‌هایی را در پی داشت که در چند نظر که منتهی به اصحاب رسانه می‌شد، نه حرمت موی سپید این تاریخدان نگاه داشته شد و نه حرمت خرنگار.

برادر اهل قلمی نظری رازینر نامه آقای اسلامی نوشت که باید گفت: به شخصه برای پیگیری مطالبات مردم غرب استان از سوی شما قابل درک و قدردانی است ولی شما که خود اهل رسانه و قلم هستید و بی‌شک آشنا به تفاسیر و مفاهیم نمی‌دانید که از قلم در قرآن به نیکی یاد شده است و نباید ابزار توهین شود؟

بی‌شک توهین به به یک شخصیت علمی که زحمات زیادی را برای استان مشترکی که اکنون در آن زندگی می‌کنیم کشیده و به کاوش در تاریخ

رضا شریعتی، وبلاگ نویس: چندسالی است که استان شدن غرب مازندران به موضوع جنجالی خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مجازی مازندران مبدل شده است و هر کس به زعم خود به نوعی در برابر این موضوع واکنش نشان می‌دهد.

در گرماگرم انعکاس خبرهای استان شدن غرب مازندران و عکس‌العمل‌های رسانه‌ای آن، طی چند روز گذشته استاد حسین اسلامی ساروی در مقاله‌ای وزیر کشور را مورد خطاب قرار می‌دهد و سخنان دلسوزانه خود را در قالب نامه‌ای انتشار می‌دهد.

برای اولین بار نیست که این استاد فرهیخته تاریخ دست به قلم شده و با ادبیات خاص خود از موضوعی شکوه می‌کند. پیش‌تر هم او مقالات و دست‌نوشته‌هایی را در رسانه‌ها منتشر کرد که قطعاً از سر دلسوزی بود. هر چند سبک نگارش نامه‌های استاد کمی متفاوت است و همین سبک متفاوت تا حدودی برای برخی ابهام‌آفرینی کرده است.

در طول چند روز گذشته که آخرین دست‌نوشته‌های او منتشر شد، عکس‌العمل‌هایی را در پی داشت که در چند نظر که منتهی به اصحاب رسانه می‌شد، نه حرمت موی سپید این تاریخدان نگاه داشته شد و نه حرمت خرنگار.

برادر اهل قلمی نظری رازینر نامه آقای اسلامی نوشت که باید گفت: به شخصه برای پیگیری مطالبات مردم غرب استان از سوی شما قابل درک و قدردانی است ولی شما که خود اهل رسانه و قلم هستید و بی‌شک آشنا به تفاسیر و مفاهیم نمی‌دانید که از قلم در قرآن به نیکی یاد شده است و نباید ابزار توهین شود؟

بی‌شک توهین به به یک شخصیت علمی که زحمات زیادی را برای استان مشترکی که اکنون در آن زندگی می‌کنیم کشیده و به کاوش در تاریخ

## رد صلاحیت سفید پوشان به مازندران رسید

این روزها و در آستانه انتخابات سراسری نظام پزشکی، خیرهایی از رد صلاحیت برخی چهره‌ها به گوش می‌رسد. در همین راستا دکتر غلامی - عضو سابق نظام پزشکی شهرستان آمل - نیز رد صلاحیت شد. دکتر غلامی بیش از بیست سال است که عضو هیئت رئیسه نظام پزشکی شهرستان آمل می‌باشد. این پزشک با سابقه و معتمد مردم شهرستان آمل طبق ماده ۲۳ قانون انتخابات نظام پزشکی یعنی نداشتن حسن شهرت در تعهد عملی به احکام دین مبین اسلام و وفاداری به قانون اساسی رد صلاحیت شده است. با توجه به اخبار رسانه‌ها پزشکیانی در سراسر کشور رد صلاحیت شده‌اند، که متعلق به جریان خاص سیاسی هستند؛ افرادی مثل معین، نوربخش، بیات و کبریایی و...

در روزهای اخیر دکتر مصطفی معین - عضو شورای عالی نظام پزشکی - نامه‌ای را در اختیار رسانه‌ها قرار داده که در بخشی از آن آمده: «در آستانه انتخابات سراسری نظام پزشکی، با رد صلاحیت گسترده چهره‌های شاخص علمی و متعهد جامعه پزشکی در تهران و سایر شهرها که از پیشینه ممتاز و اعتبار شایسته اجتماعی در دفاع از حق و حقیقت و تلاش برای اعتلای نام ایران و اسلام برخوردارند، رویدادی نگران‌کننده و هشداردهنده به وقوع پیوست.» استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران در این نامه تصریح کرده است: «بی‌تردید این داور ناعادلانه، غیرقانونی و ناسازگار با موازین و معیارهای علمی و حرفه‌ای در سطوح ملی و جهانی، در برگزاری انتخاباتی مشروع و مقبول صنفی و حرفه‌ای بیشترین اختلال‌ها را به وجود می‌آورد و راه را بر حضور و مشارکت فعالانه و آزادانه جامعه پزشکی کشور در انتخابات پیش‌رو سد می‌کند.»



## حاجیان رفت، رحمانی آمد

مهدی عبوری در حکمی محمد رحمانی معاون سابق فرهنگی، اجتماعی اداره کل بازرسی استان مازندران را به سمت معاون فرهنگی هنری شهرداری ساری منصوب کرد. شهردار ساری در مراسم تودیع و معارفه مسئول فرهنگی و اجتماعی شهرداری ساری، عبوری از زحمات یکساله‌ا حمله حاجیان در این سمت قدردانی و برای رحمانی در این جایگاه آرزوی توفیق کرد.

شهردار ساری در همین جلسه حاجیان را به سمت مشاور رسانه‌ای و مشاور امور بانوان شهرداری ساری منصوب کرد. گفتنی است علاوه بر محمد رحمانی علی‌باصره تاکامی هم به عنوان سرپرست اداره روابط عمومی شهردار ساری منصوب شد.

## ارمون سوم منتشر شد



شماره سوم ماهنامه ارمون به مدیریت مسولولی زهرا اسلامی و سر دبیری علی سینا رویگریان منتشر شد و روی پیشخوان روزنامه فروشی‌های استان قرار گرفت.

در شماره دی ماه ارمون به دو موضوع آلودگی محیط زیست در مازندران و داستان نویسی در استان به صورت پرونده ویژه پرداخته شده است. در ارمون سوم مطالبی در خصوص تعیین نظام حقوقی دریای خزر در گفتگو با دکتر کارن روحانی استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه، انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری در گفتگو با دکتر احمد فاطمی مدیر مجمع عالی نخبگان استان، جدایی غرب مازندران، ظرفیت‌های گردشگری زمستانی و موسیقی در استان می‌خوانید. حق با مهمان است، افسانه استخر پشت، باز خزر بوی تور و ماهی می‌دهد، پدر! مادر! این فرزند توست و... از دیگر عناوین سومین شماره ماهنامه ارمون است. ارمون با همکاری رضا رضایی سوادکوهی، نهمینه اسدی، حسین برزگر ولیکچالی، لیلا مشفق، علی سروی، مریم عبداله‌اشم پور، هادی مهجوری، پروانه آقاجانی، سپیده پور شعبان، رقیه توسلی و... تهیه می‌شود.